

عاشقی که صادق بود

□ داود رضایی چراتی

در آستانه اولین سالگرد ملازم صدیق امام، مرحوم آیت الله محمد رضا توسلی قرار داریم، مردی که فصل جدیدی را در مبارزه با انحراف از اندیشه امام رقم زد و شیوه ای متفاوت را در مبارزه با متحجرین پیش گرفت، مردی که نیم قرن رسم عاشقی بجا آورد و در این راه از بذل جان خود نیز دریغ نکرد.

او تربیت شده مکتب امام خمینی بود و پاسدار اندیشه‌ای که انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران را بنیان نهاد. فصلنامه حضور برای ارج نهادن به پنج دهه تلاش این سیاستمدار دین باور و یار دیرین امام، در اولین سالگر رحلت شهادت گونه‌اش، ویژه‌نامه‌ای را در هفت قسمت، تقدیم خوانندگان گرامی می‌دارد.

برداشت اول

آیت الله توسلی به روایت خود

اینجانب محمد رضا توسلی فرزند عباس در سال ۱۳۰۹ در شهرستان محلات در یک خانواده مذهبی متولد شدم و بعد از دروس ابتدایی مدارس و مکتب‌خانه‌های آن زمان و علاقه پیدا کردن به مسایل دینی بخصوص در سال ۱۳۲۲ شمسی که حضرت امام تابستان را در شهر ما تشریف فرما بودند و عصرهای ماه مبارک رمضان، نزدیک غروب آفتاب در مسجد جامع محلات درس اخلاق می‌فرمودند، بنده هم مفتخر به شرکت در این محضر روحانی بودم و علاقه‌مند به وارد شدن در سلک روحانیت شدم. در سن ۱۵ سالگی دروس حوزوی را شروع کردم و یک سال بعد برای ادامه تحصیل، عازم قم شدم. در سال ۱۳۲۴ باتفاق مرحوم شهید محلاتی - که در محلات دروس حوزوی را با هم شروع کرده بودیم - به قم رفتیم. آن سال مصادف شد با فوت مرحوم آیت ا...



اصفهانی که مرجع تقلید عامه شیعیان بود. حوزه علمیه قم قبل از ورود مرحوم آیت ا... بروجردی به سرپرستی سه مرجع آن زمان یعنی مرحوم آیت ا... حاج سید محمد تقی خوانساری و مرحوم آیت ا... حاج حجت کوه کمره‌ای و مرحوم آیت ا... حاج سید صدرالدین صدر اداره می شد که بعد از فوت آن مراجع ثلاث، حضرت آیت ا... بروجردی سرپرست حوزه گردید. در ابتدای سالهای ورودمان به قم حوادثی اتفاق افتاد که یکی از آنها آوردن جنازه رضا شاه پهلوی به قم و تقاضای دستگاه جبار آن روز از علما و مراجع برای نماز خواندن به جنازه پهلوی بود که علما امتناع کردند و دستور این بود که طلاب و روحانیون جهت ابراز مخالفت با آوردن جنازه رضاخان به قم از خانه های خود بیرون نیایند. حادثه دوم آمدن مرحوم شهید نواب صفوی به قم و

نطقهای آتشین او در مدرسه فیضیه علیه حکومت پهلوی بود و حادثه سوم حرکت طلاب و روحانیون به طرف خانه‌های مراجع قم جهت اعتراض به اشغال سرزمین فلسطین بدست صهیونیست‌ها بود که اینجانب و مرحوم شهید آیت‌الله... محلاتی نیز جزو تظاهرکنندگان بودیم که منجر به خروج آن شهید بزرگوار از مدرسه فیضیه قم شد. بگذاریم و بگذریم.

دروسی را هم نزد اساتید مختلف خواندم از قبیل مرحوم شهید صدوقی، مرحوم حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و آیت‌الله... منتظری، مرحوم آقای سلطانی طباطبایی (ره)، علامه طباطبایی (ره) و بزرگان و فقهایی که الان در حال حیات نیستند. همچنین نزد مرحوم آقای مجاهدی بعد از اتمام دروس سطح که آخرین آنها رسائل و مکاسب شیخ و کفایه مرحوم آخوند خراسانی بود قسمتی از اسفار و تفسیر و امتحان دادن برای شرکت در درس خارج فقه مرحوم آقای بروجردی (ره). مدت کوتاهی را در درس معظم له شرکت داشتم که در تابستان‌ها در صحن بزرگ حرم مطهر حضرت معصومه (ع) و در زمستان در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه (ع) شرکت می‌نمودم ولی دروس اصلی که در آن زمان باشکوه‌ترین دروس حوزه بود درس فقه و اصول حضرت امام بود که بنده تا زمانی که در ایران بودند اصول را از محضر ایشان و قسمتی از فقه، کتاب طهارت و مکاسب و بیع را هم استفاده نمودم. متأسفانه بعد از قضایای انجمنهای ایالتی و ولایتی و حبس و تبعید معظم له به ترکیه و عراق از بهره‌مندی فیوضات حضرت امام محروم شدم و از دروس سایر مراجع و اساتید مثل مرحوم آقای گلپایگانی و مرحوم محقق داماد بهره‌مند می‌شدم.

بنده از ابتدای شروع نهضت تا آخرین لحظات حیات پر برکت حضرت امام تا پیروزی انقلاب و حدود یک سال بعد از انقلاب در خدمت آن بزرگوار بودم. و از ابتدای شروع نهضت هر روز در بیت آن حضرت بودم و اوامری را که دستور می‌دادند اجرا می‌کردم. بعد از دستگیری اول معظم له جمعی بودیم که خود را موظف می‌دانستیم که بیت را حفظ نماییم. حتی در مواقع ممنوع بودن هم به هر نحوی بود شبها را در آنجا بودیم. بعد از آزادی از حبس اول که در سال ۴۲ بعد از واقعه ۱۵ خرداد اتفاق افتاد همراه و دنبال آن حضرت به مجالس سخنرانی ایشان می‌رفتم و نیز اعلامیه‌هایشان را پخش می‌کردیم. بعد از سخنرانی آبان ماه سال ۴۳ که منجر به دستگیری مجدد و

تبعید ایشان به ترکیه و عراق گردید علاقه مان برای حفظ بیت ایشان بیشتر شد و در تمام این مدت مرحوم آیت... آقای اشراقی داماد ایشان و بعد از تبعید ایشان ما هم با وکالت تام از طرف حضرت امام، به همراه مرحوم آیت... آقای پسندیده اخوی بزرگ حضرت امام بیت را اداره می کردیم. بعد از پیروزی انقلاب و تشریف فرمایی ایشان به قم در دیداری که با جامعه مدرسین قم در مدرسه فیضیه اتفاق افتاد اینجانب از اعضاء آن جامعه بودم به پیشنهاد ایشان مسئول ملاقاتهای امام گردیدم. در ابتدای ورود ایشان به قم ملاقاتهای فراوانی هر روز انجام می گرفت که تنظیم آن تا اواخر حیات پر برکت آن پیر مرشد به وسیله اینجانب انجام می شد. بعد از کسالتشان و انتقال به تهران هم مسئولیت دیگری هم به اینجانب واگذار گردید و آن پاسخ به مسائل شرعی در دفتر حضرت امام بود که تا حالا بحمدالله ادامه دارد و مردم علاقه مند به آن حضرت، مخصوصاً مقلدین ایشان دفتر حضرت امام را فراموش نکرده اند. از سال ۶۳ تا سال ۷۶ به مدت ۱۳ سال یکدوره فقه و احکام شرعی مورد نیاز مردم را به تقاضای مرحوم حجت الاسلام آقای حاج احمد آقا و موافقت حضرت امام در رادیو سراسری ایران در زمان تصدی آقای محمد هاشمی تا بعد از ایشان هم ادامه دادم. این اولین بار بود که رادیوی ایران چنین برنامه ای انجام داد که متأسفانه به عللی از ادامه آن صرف نظر گردید. و کل نوشته های آن دروس موجود است و تقاضای چاپ آن مکرر انجام شده ولی هنوز توفیقی برای این تقاضا حاصل نشده است.

آخرین مطلب در زندگینامه من افتخار تغسیل و تکفین حضرت امام (ره) در نیمه شب ۱۳ خرداد ۱۳۶۸ بود که آن شب چه شبی بود که هیچگاه از یادم نمی رود. و از زمان ارتحال آن حضرت همان طور که آن دفتر محترم را ترک نکردم شبهای شنبه هر هفته را در مرقد آن بزرگوار به تقاضای مرحوم حاج احمد آقا اقامه نماز جماعت را ادامه داده ام.

دفتر حضرت امام، محمد رضا توسلی

۱۳۸۵/۸/۳۰

برداشت دوم

اینگونه بود پدر...

(سخنان محمد کمال توسلی، فرزند ارشد آیت‌الله توسلی)

- آیت‌الله توسلی به سال ۱۳۰۹ ه.ش در محلات و در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. در نوجوانی شیفته اخلاق و معنویات حضرت امام شد. و این شیفتگی جرقه ورود به دروس حوزوی را برای او به همراه داشت. در سال ۱۳۲۳ وارد حوزه علمیه محلات و سپس قم شد. و از محضر آیات عظام بروجردی، سلطانی طباطبایی، صدوقی، حائری، امام خمینی و... بهره برد. پس از سالها استفاده از محضر آن اساتید در زمرة نخستین یاران حضرت امام قرار گرفت. دوستی دیرینه‌اش با آیت‌الله شهید سید مصطفی خمینی وی را بیش از پیش به حضرت امام نزدیک کرد و شایستگی آن را پیدا کرد تا در جمع نزدیک‌ترین یار امام در دفتر معظم‌له از قبل از انقلاب فعالیت کند. در دوران نهضت امام خمینی و تبعید ایشان با امام در ارتباط نزدیک بود.

در دورانی که بردن اسم امام عواقب بدی می‌توانست برای هر فردی داشته باشد جزء کسانی بود که هیچگاه از مراد خویش فاصله نگرفت و پس از پیروزی انقلاب نیز محرم اسرار امام شد و همواره در کنار آن پیر فرزانه ماند. وی از ارکان علمی و معنوی بیت حضرت امام بود. سالهای متمادی فتاوی‌ای امام راحل را با بیان فصیح عنوان کرد. دارای نظم و انضباط فراوان بود و آن را بی‌شک از پیر مراد خویش آموخت. به برگزاری نماز جماعت بسیار مقید بود. بیش از دو دهه در مسجد جامع قلهک، منشأ خدمات زیادی بود. به حقوق دیگران احترام می‌گذاشت. وفاداری از ویژگی‌های بی‌نظیر ایشان بود. نسبت به پستها و موقعیتهای ظاهری بی‌اعتنا بود. معتمد و امین امام بود مرحوم آیت‌الله توسلی نسبت به اهل خانه و فرزندان و بخصوص مادر عزیزم با عطف و مهرمهرانی رفتار می‌کرد. همواره فرزندان خود را به مسائل شرعی و اخلاقی توصیه می‌کردند.



آیت‌الله توسلی از ابتدای نهضت حضرت امام در رکاب آن حضرت بود. پس از پیروزی انقلاب نیز به واسطه صداقت و سلامت نفس مسئول ملاقاتهای امام شدند. تمام امور مربوط به دفتر خود را خود انجام می‌داد. در مسائل شرعی، اخلاقی و مالی به فرزندان خود توصیه اکید می‌کردند. می‌گفتند مواظب زبان خود باشید. از غیبت پرهیز کنید. مواظب آبروی مؤمنین باشید. آبروی مؤمن برابر خون انسان است. همواره ما را به احترام به مادر توصیه می‌کردند در ارتباط با مسائل مالی و به ویژه وجوهات شرعیه حساسیت خاصی داشتند که البته این موضوع و این حساسیت در وصیت‌نامه ایشان به وضوح مشخص شده است.

ایشان در جایگاه یک عالم دینی و خوش فکر و مترقی ادامه‌دهنده مکتب امام بود و خدمات ریشه‌داری را برای انقلاب انجام داده‌اند. ایشان از بارزترین چهره‌هایی است که راه امام و اندیشه بزرگ آن حضرت را بر دوش خود کشید و تا آخر با خود داشت و در همین راه نیز شهادت داد و شهید شد. او به معنای واقعی مدافع راه و آرمانهای حضرت امام بود. آیت‌الله توسلی از سوی مردم محترم تهران به عنوان عضو مجلس خبرگان رهبری برگزیده شد. از سوی حضرت امام و مقام معظم رهبری به عنوان نماینده در مجمع تشخیص مصلحت نظام انتخاب شد. در سال ۱۳۵۹ به عنوان سرپرست حجاج از سوی حضرت امام انتخاب شد.

مرحوم پدرم آنقدر در میان روحانیون برجسته جایگاه داشت که نیازی به اثبات مقام علمی و خدمات ارزشمند وی نیست. همواره در مبارزه آشکار با تحجر و واپسگرایی و عوام‌فریبی بود. سالهای سال، غروب جمعه نماز مغرب و عشاء را در حرم پیر مراد خود می‌خواند و این علاقه هیچگاه به رغم مشکلات دوری راه، سرما و گرما ترک نمی‌شد. مرحوم پدرم این اواخر حزن بزرگی در دل داشت. شادابی همیشگی‌اش را نداشت. در ارتباط با اتفاقات پیش آمده که توهینی به بیت حضرت امام شد بسیار ناراحت بود. در اواخر عمرشان در پاسخ به سؤال من در رابطه با اتفاقات پیش آمده و مواضع و دیدگاههای برخی افراد در مقایسه آن با دوران حضرت امام فقط به یک جمله بسنده کرد، و دست روی سینه خود گذاشت و گفت: اسرار زیادی در سینه من وجود دارد. البته هیچگاه نامی از کسی به زبان نیاورد.

مرحوم پدرم پس از عمری مجاهدت در راه امام خمینی در حالی که در دفاع از اندیشه ناب آن حضرت در مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۲۷ بهمن ۱۳۸۶ سخن می‌گفت جان به جان آفرین تسلیم کرد و در کنار حرم مرادش به خاک سپرده شد.

برداشت سوم

(گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر محتشمی پور)

اشاره - حدود یکسال از درگذشت مردی می‌گذرد که فصل جدیدی را در مبارزه با انحراف از اندیشه امام رقم زد و به شیوه‌ای دیگر مبارزه‌اش را ادامه داد، با روشی متفاوت که می‌تواند مبنای توجه قرار گیرد. وی با نفوذ کلام خود و با علم به اندیشه امام به جنگ با تفکری منحرف پرداخت. تفکری که همواره امام خمینی، همگان را نسبت به رشد آن هشدار می‌داد. او کوشید تا روح و جان کلام امام را به کج فهمان بفهماند و در این راه پیشقدم شد. در آستانه اولین سالگرد ارتحال مرحوم آیت الله توجه به گوشه‌ای از مجاهدتهای آن مرحوم از زبان دوستانش شنیدنی است.

حضور: به‌عنوان شروع مطلب بفرمایید آشنایی شما با مرحوم آیت‌الله توسلی از چه

دورانی شروع شد؟

حجت الاسلام والمسلمین محتشمی پور: آشنایی ام با مرحوم توسلی برمی‌گردد به اولین سالی که وارد حوزه علمیه قم شدم یعنی سال ۱۳۴۲ و آن زمانی بود که حضرت امام را دستگیر کرده بودند و امام در قم تشریف نداشتند. اما بیت حضرت امام و دستگاهی که بیت را اداره می‌کرد فعال بود. بنده در آن زمان به سبب علاقه و عشقی که به حضرت امام داشتم، به بیت حضرت امام رفت و آمد داشتم. روزها به مناسبت‌های مختلف به منزل امام می‌رفتم. در آن بیت محترم چهره‌ها و شخصیت‌هایی بودند که آنجا را اداره می‌کردند. کارها در دو بخش انجام می‌گرفت. یک بخش کارهای مربوط به امام، مراجعاتی که از شهرهای مختلف صورت می‌گرفت، مسئله شهریه حضرت امام که به طلاب داده می‌شد و کارهای مربوط به مرجعیت حضرت امام بود. و بخش دیگر از





کارها مربوط به کارهای سیاسی و مبارزاتی امام بود و چهره‌ها و شخصیت‌هایی در این زمینه فعال بودند. شاید اینکه خداوند لطف کرد و خواست ارتباط بنده را با امام هرچه بیشتر و مستحکم‌تر کند و پایندی مرا به مبارزه و انقلاب محکم‌تر کند، از اینجا آغاز شد که، بنده در مدرسه دارالشفاء حجره‌ای داشتم که با دو نفر دیگر از طلاب هم حجره بودیم. یکی جناب آقای ناصری که هم‌اکنون امام‌جمعه شهر کرد هستید، و دیگری جناب آقای اوسطی. جالب اینجاست که در حجره ما حضرت امام هر ماه شهریه طلاب را پرداخت می‌کردند و ما سه روز در ماه حجره‌مان را در اختیار مسئولین پرداخت شهریه حضرت امام می‌گذاشتیم. در آن موقع آیت‌الله صانعی، آیت‌الله محفوظی و بعضی از مواقع آقای قافله باشی می‌آمدند به حجره ما و شهریه پرداخت می‌کردند. به هر صورت در بیت امام چهره‌ها و شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله توسلی و جناب آقای رسولی محلاتی و دیگران بودند که فعال بودند که البته مرحوم شهید حاج آقا مصطفی خمینی، محوریت کار را به عهده داشتند و مسائل زیر نظر ایشان انجام می‌گرفت. به خاطر دارم که نقش آیت‌الله توسلی در دویخش بود؛ بخش حوزوی و ارتباطات حوزه با حضرت امام و بخش دیگر مربوط به مسائل سیاسی و مبارزاتی بود.

حضور: آیا مبارزات در دفتر امام متمرکز بود؟

محترمی پور: خیر. آن چیزی که متمرکز در دفتر و بیت حضرت امام بود امور مربوط حوزوی از قبیل اداره طلاب و حوزه و ارتباطات حوزه با حضرت امام بود که افرادی مانند آیت‌الله توسلی، آیت‌الله رسولی محلاتی، آیت‌الله شیخ حسن صانعی، آیت‌الله محفوظی و آقای قافله باشی و آقایان دیگری در آنجا فعال بودند و کار می‌کردند. می‌خواهم بگویم که در حوزه علمیه سلسله کارهای مبارزاتی و سیاسی هم وجود داشت که یک‌سری از یاران و شاگردان امام نسبت به آن فعال بودند و کار می‌کردند. اگر بخواهیم اسم ببریم شامل افراد زیادی می‌شوند. علما و مدرسین حوزه علمیه قم بودند که اعلامیه می‌دادند، سخنرانی می‌کردند و نامه‌هایی به علما و شخصیت‌های بلاد راجع به حضرت امام می‌نوشتند و هجرت علما از شهرها و استان‌ها به تهران برای آزادی امام را مدیریت می‌کردند. می‌دانید که بعد از ۱۵ خرداد رژیم شاه تصمیم داشت که حکم اعدام حضرت امام را صادر و ایشان را اعدام کند. لذا عده بسیار زیادی از علما و شاگردان برجسته حضرت امام فعال شدند و همه شخصیت‌ها، مراجع، مجتهدان سراسر ایران را دعوت کردند که به تهران بیایند در اعتراض به دستگیری امام و احکامی را که رژیم شاه می‌خواست علیه امام صادر بکند اقدام کنند. جمعیت چشمگیر و شخصیت‌های برجسته‌ای فعال بودند. یکی از افرادی که علاوه بر اداره امور حوزوی و اداره بیت امام در این حوزه هم فعال بود و مبارزات سیاسی را هم هدایت می‌کرد آیت‌الله توسلی بود. البته بطور طبیعی عده زیادی نبودند که بتوانند در هر دو بخش فعال باشند چرا که به هر حال باید این قسمت از کار امام هم پیش می‌رفت. بنابراین عده‌ای باید باشند که در عرصه‌های سیاسی فعال نباشند تا دستگیر نشوند تا مورد تعقیب ساواک قرار نگیرند تا بتوانند در حوزه علمیه مؤثر باشند. اما آیت‌الله توسلی در زمینه مبارزه هم خیلی فعال بودند. می‌خواهم عرض کنم اگر شما اعلامیه‌های مدرسین و علمای قم را مشاهده کنید در بیشتر اعلامیه‌ها امضای آقای توسلی را می‌بینید. این نشان دهنده میزان تعهد بالای حضرت آقای توسلی به افکار و اندیشه‌های سیاسی و مبارزاتی و انقلابی حضرت امام بود. یعنی اگر بخواهیم خلاصه کنیم آیت‌الله توسلی هم التزام به فعالیت‌های علمی و حوزوی امام و هم التزام و اعتقاد عملی به

اندیشه‌های سیاسی و مبارزاتی حضرت امام داشت و از یاران نزدیک امام در عرصه مبارزاتی هم بود.

حضور: بعد از تبعید چطور؟ این فعالیت‌ها چگونه مسیر خود را طی کرد و نقش آقای توسلی چه بود؟

محتشمی پور: وقتی امام در سال ۴۳ به نجف تبعید شدند یکی از کسانی که از قم بر اساس همان گرایشات قلبی و باورهایی که نسبت به انقلاب و مبارزات امام داشت به دنبال حضرت امام رفت، آیت‌الله توسلی بود که به نجف اشرف مشرف شد. و آماده این بود که در نجف همراه و در کنار امام باشد. در آن مقطع حضرت امام نمی‌خواستند چهره‌ها و شخصیت‌های مؤثر در جامعه ایران، ایران را ترک کنند و به نجف بیایند و آنهایی که می‌توانستند امور مبارزات و کار امام و مسائل حوزوی را دنبال کنند در یک مجموعه کوچکی خلاصه شوند و صرفاً در خدمت امام باشند. ما حدود بیست و دو سه نفر از طلاب جوان حوزه علمیه بودیم که در نجف اشرف خدمت امام بودیم. و لذا آیت‌الله توسلی یکی از آن افرادی بودند که وقتی آمدند امام به مصلحت دانستند که ایشان در ایران حضور داشته باشند و بمانند. هم در رابطه با مسائل حوزه علمیه قم و بیت امام در قم و مدیریت مسائل حوزوی و بیت امام و هم در ارتباط با مسائل مبارزاتی و پیگیری آن امور را سر و سامان بدهند. ایشان بعنوان یکی از چهره‌های مؤثر همیشه مطرح بودند. البته در ایران خیلی‌ها از جمله آیت‌الله منتظری، آیت‌الله ربانی شیرازی و خیلی از مجتهدین و علمای دیگر بودند که در حوزه علمیه حضور داشتند. به هر حال یکی از چهره‌های تأثیرگذار آیت‌الله توسلی بود که می‌توانست در آن برهه و در این حرکت علمایی حوزه علمیه قم چهره‌ای مؤثر باشد. یکی از ویژگی‌های آیت‌الله توسلی آن باور و اعتقاد و تعصب ایشان نسبت به اندیشه‌های حضرت امام بود که موجب تحرک خیلی شدید ایشان در عرصه‌های مختلف از جمله مسائل مبارزاتی می‌شد. بعدها برنامه، کار و آشنایی ما با آیت‌الله توسلی خیلی نزدیک‌تر و عمیق‌تر شد. تا پس از پیروزی انقلاب که حضرت امام از پاریس به کشور برگشتند و ما خدمت امام بودیم به قم آمدیم.

حضور: بعد از تبعید امام به نجف ارتباط شما با قم و با آقای توسلی چگونه برقرار بود؟
محتشمی پور: از سال ۱۳۴۵ ارتباط خصوصی با کسی نداشتیم. آنچه را که در نجف اشرف انجام می دادیم، اعلامیه‌ها و سخنرانی‌هایی که امام انجام می دادند را ضبط و پیاده می کردیم و برای ایران می فرستادیم که در ایران توزیع می شد. مثلاً مباحث حکومت اسلامی را که امام در نجف اشرف تدریس می کردند پیاده شد، آماده چاپ شد و به صورت کلی به ایران فرستاده شد. معمولاً ارتباطات خاص با افراد خاص وجود نداشت و یا اینکه بنده لاقلاً نداشتم. ممکن است که از طریق حاج آقا مصطفی و یا دوستان این ارتباطات برقرار می شد؛ اما فراگیر نبود و اغلب کارها زیرزمینی انجام می شد چرا که شرایط اینگونه اقتضا می کرد.

حضور: گویا مرحوم توسلی خیلی به افراد مستضعف و کسانی که ظلمی بر آنها می شد توجه ویژه داشتند. در این باره چه اطلاعی دارید؟
محتشمی پور: بله، دقیقاً اینگونه بود؛ به یاد دارم وقتی بنده در دفتر امام در پاریس و نجف اشرف بودم آیت‌الله توسلی یکی از چهره‌ها و شخصیت‌های نزدیک به حضرت امام بود. اگر بخواهیم دو یا سه نفر از افراد خیلی نزدیک به امام که همواره در کنار امام بودند را نام ببریم، قطعاً یکی از آن افراد شاخص و یا بهتر است بگویم شاخص‌ترین آن آیت‌الله توسلی بود. ایشان در بیت امام رابط بین اقشار مختلف مردم با امام بود. بخصوص برای کسانی که خیلی دستشان به شخصیت‌ها و مقامات نمی رسید. آیت‌الله توسلی روحیه‌ای بسیار متواضعانه و دلسوز نسبت به مستضعفین و محرومین جامعه داشت؛ مخصوصاً کسانی که به هر نحوی آسیب می دیدند آسیب‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... آنهایی که دستشان به هیچ‌جا بند نبود. آقای توسلی آنقدر برخوردی باز و متواضعانه با آنها داشت که همه به راحتی می توانستند با او تماس بگیرند. چه در دفتر امام و چه در مسجدی که در آنجا امام جماعت بودند. خیلی راحت با ایشان ارتباط برقرار می کردند و او هم راه را برای آنها باز می کرد و زمینه ملاقات و ارتباط با امام را برقرار می کرد. بر این اساس ایشان را می توانیم یک حلقه وصلی بین اقشار مختلف جامعه با امام بنامیم. چون در دفتر



امام مثلاً یک نفر بود که مسئول وجوهات شرعی بود، یکی مسئول تنظیم و طبقه‌بندی نامه‌ها بود که خدمت امام برساند. مسئولیت‌های مختلفی در دفتر بود. افراد مختلف هم در دفتر حضور داشتند اما آیت‌الله توسلی کسی بود که به اصطلاح ما آچار فرانسه دفتر بودند. تمام کارهای زمین مانده بیت را ایشان انجام می‌داد. با توجه به تسلط علمی ایشان و آشنایی ایشان با مبانی فقهی امام و مسائل امام، ایشان در بیت و دفتر امام از اول سال ۱۳۵۷ تا پایان عمر، مرجعی بود که مسائل امام را هرکسی که می‌خواست دقیق دریافت کند از آیت‌الله توسلی می‌توانست

بگیرد. مبانی امام را اگر می‌خواستند سؤال کنند از ایشان می‌توانستند پرسند. یعنی کاملاً آشنا به مبانی فقهی و علمی و مسایلی مربوط به فتوا و حکم امام بود. سالهای سال هم قبل از نماز ظهر ایشان در رادیوی سراسری ایران مسائل امام را مطرح می‌کردند. متأسفانه مدیریت‌های جدید باعث شد که در سالهای آخر مردم ایران و مقلدان امام از فتوای امام و از فیض استفاده از مسائل ایشان محروم شدند و این هم یکی از جفاهایی بود که نسبت به انقلاب امام و یاران امام شد و مردم از استفاده از مسائل شرعی امام محروم شدند. لذا جا دارد اکنون اگر واقعاً بخواهند مردم از آن فیض استفاده کنند لااقل نوارهای ایشان را یکبار دیگر پخش کنند تا مردم استفاده ببرند. چون مسائل امام تغییری نکرده است.

حضور: در دوران حضور در دفتر، اتفاقاتی که پیش می‌آمد، صحبت‌هایی که پیش شما می‌شد، چه خاطراتی از آن زمان به یاد دارید و چه خصوصیتی باعث می‌شد که ایشان دفتر را به

نحوی مطلوب اداره کنند؟

محتشمی پور: کسانی که همواره در کنار امام بودند و از خلق و خوی امام بهره بردند و جزء شاگردان دسته اول و تربیت شدگان آن حضرت بودند و امام آنها را آموزش داد، چه در بعد علمی و چه در بعد تربیت اسلامی، آنان ویژگی‌های خاصی را پیدا کردند. این ویژگی‌ها و خصلت‌ها در وجودشان نهادینه شده و به صورت اتوماتیک، در جاهایی که باید از خودشان عکس‌العمل نشان بدهند، عکس‌العمل نشان می‌دادند، چون اینگونه تربیت شدند و باصطلاح محافظه‌کار نیستند. شجاعت و روحیه امام در آنها دمیده شده و حاضرند ولو به قیمت از دست دادن همه چیزشان در این مسیر حرکت کنند. مثلاً یک سندی را وقتی من در وزارت کشور بودم پیدا کردم که امام در سال ۱۳۴۱ یک نامه‌ای را نوشته بودند و از وزارت امور خارجه زمان شاه به شدت خواسته بودند که در پاکستان یک دختر مسلمانی مورد تعرض یک مرد بهایی قرار گرفته است، و امام برآشفته شدند که باید این دختر مسلمان نجات پیدا کند و از رژیم خواسته که آن دختر مسلمان ایرانی را نجات بدهد. این حالت و روحیه انسان مختص یک انسان خودساخته است که ظلمی در گوشه‌ای از دنیا به یک زن مسلمان و یا به هر کسی صورت می‌گیرد، عکس‌العمل نشان می‌دهد. این روحیه در شاگردان خوب امام از جمله آیت‌الله توسلی وجود داشت. اگر هر جا مراجعه می‌شد و می‌گفتند آقا فلان دستگاه یا فلان شخص نسبت به این فرد ظلم کرده، آیت‌الله توسلی سر از پا نمی‌شناخت و همان روحیه امام را داشت و برای دفع آن ظلم مادی، معنوی، سیاسی،... هر چه که می‌خواهد باشد فعال می‌شد. با هر جایی که می‌توانست تماس می‌گرفت تا این مشکل و ظلم برطرف شود. آنهایی که در مسجد قلهک می‌رفتند و پای صحبت‌های ایشان می‌نشستند دائماً در صحبت‌هایش راجع به حفظ حیثیت و آبروی افراد و اشخاص و تهمتها، دروغها و افتراات در روزنامه‌ها و یا بعضی از دستگاهها، اشخاص، چهره‌ها و شخصیت‌های انقلابی و مردم عادی تذکر می‌داد. همیشه هشدار می‌داد و صحبت می‌کرد. اصلاً با جان خودش بازی می‌کرد. به خاطر اینکه نمی‌توانست تحمل کند نسبت به مردم ظلمی صورت گیرد در هر زمینه‌ای که باشد. این یکی از خصلت‌های حضرت امام بود که آیت‌الله توسلی به خوبی آن را

دریافت کرده و همچون امام از آن دفاع می‌کرد. به یاد دارم در مقطعی قرار بود که برخی از ائمه جمعه جابجا شوند. ظاهراً آیت‌الله توسلی بودند که فرمودند امام فرمود که خیلی فرق است بین یک فرد عادی و یا کارمند دولت و یک عالم و کسی که مربی معنوی جامعه است. اگر کارمند دولت را جابجا کنید، مسئولیت و مأموریت او را تغییر دهید، خیلی تفاوت نمی‌کند، کارش را از دست نمی‌دهد و حقوق و مزایای خودش را دریافت می‌کند. اما یک عالم دینی را از جای بردارید و به جای دیگر منتقل کنید، تمام اعتبار و حیثیت او را دستخوش دگرگونی قرار داده‌اید و در انظار مردم علامت سؤال پیش می‌آید که علت چه بود که این را برداشتند و تغییر دادند یا مثلاً دیگر امام جماعت نیست. بر این اساس ما نمی‌توانیم با حیثیت و آبروی افراد و اعتبار یک انسان بازی کنیم و لذا در زمان حضرت امام کمترین جابجایی و عزل و نصب‌ها در حوزه ائمه جمعه و جماعات صورت می‌گرفت مگر در حالات استثنایی که آن هم در آرامش و در فضای بسیار مناسبی در جهت تبلیغات دینی در عرصه‌های مختلف به وجود آمد. برخلاف جاهایی که یک مرتبه قضایایی اتفاق می‌افتد که در ذهن مردم و جامعه نسبت به نهاد روحانیت و علمای حوزه دچار تنش شده است آن اعتبار و اعتمادی که در زمان امام به علما و شخصیت‌های دینی و ائمه جمعه بوده امروز مشاهده نمی‌کنیم. و لذا این امر باعث شده که از میزان شرکت در نمازهای جمعه و جماعت هم کاسته شود. همین حالت را آیت‌الله توسلی هم داشت. در دفتر و در جامعه برای آبرو و حیثیت مردم بسیار ارزش قائل بود و اگر حادثه‌ای برای کسی اتفاق می‌افتاد سعی می‌کرد با برخورد درست آن را درست کند. این یکی از ویژگی‌های آیت‌الله توسلی بود. پس می‌توان اینگونه خلاصه کرد که آیت‌الله توسلی دارای ویژگی مبارزاتی حضرت امام بود، دارای مقام علمی بود که می‌توانست مبانی فقهی، اصولی و عملی امام را برای کسانی که می‌خواستند، تبیین کرده، توضیح بدهد، آیت‌الله توسلی یکی از شاگردهای برجسته امام بود که در مکتب امام پرورش یافته بود و در خصلت‌های ظلم ستیزی و حمایت از مظلومین و محرومین سرآمد بود، آیت‌الله توسلی حلقه وصل بین اقشار مختلف مردم با امام بود و به خاطر همین ویژگی که همه دسترسی داشتند آیت‌الله توسلی مسئول کلیه ملاقات‌های عمومی امام با مردم بود. هر کس که می‌خواست با امام

ملاقاتی داشته باشد به آیت الله توسلی مراجعه می کرد. به ویژه مسئول ملاقات خانواده های شهدای انقلاب و حلقه وصل آنها با امام بود. اینها از ویژگی های بارز آیت الله توسلی بود.

حضور: ظاهراً این خصوصیات بعد از رحلت امام هم فروکش نکرد!

محتشمی پور: بله، یکی از مسائل مهم آیت الله توسلی وفاداری به امام بود. همه آنهایی که در دفتر امام بودند اکثر آنهایی که مؤثر بودند، بعد از رحلت امام پست و مقام گرفتند و به جاهای دیگر رفتند. اما آیت الله توسلی کسی بود که به خاطر اعتمادی که امام به ایشان داشت و نقش مؤثری که او در دفتر امام داشت می توانست خیلی از جاها دارای مقامهای بالایی باشد چه در حوزه های علمیه و چه در خارج و در سیستم اجرایی و قضایی کشور. هر جایی که تصور کنید آیت الله توسلی جایگاه ویژه ای می توانست داشته باشد. اما حاضر نشد دفتر امام را رها کند و به دنبال پست و مقام برود. آیت الله توسلی می گفت که من در همین دفتر امام در طول حیات مقدس امام مسائل امام را به مردم می گفتم و با همین کار یعنی تبیین مبانی امام، با گفتن مسائل شرعی امام، راه امام را ادامه می دهم و همین جا خواهم ماند. لذا دیدیم که تا آخر عمر شریفش در همانجا ماند و به خاطر همان ویژگی هایی که عرض کردم جان به جان آفرین تسلیم کرد. وقتی که احساس کرد که در اندیشه های امام دارد انحراف ایجاد می شود، وقتی مشاهده کرد یک مجموعه ای آمده اند و تیشه برداشتند به ریشه اندیشه و افکار حضرت امام می زنند و مسائل مختلفی را مطرح می کنند و کار انقلاب به دست خیلی از افراد نااهل به انحراف کشیده می شود، در جلسه مجمع تشخیص مصلحت آن سخنرانی را کرد. وی در آن سخنرانی آنقدر فشار روحی داشت و آنقدر در رابطه با این مسائل تحت تأثیر قرار گرفته بود که جان سپرد. و به نظر من ایشان را باید یکی از شهدای انقلاب قلمداد کنیم که هجرت الی الله کرده و برای حفظ افکار اسلام ناب و انقلاب جان خودش را فدا کرد.

حضور: در فاصله زمانی ارتحال حضرت امام تا فوت آیت الله توسلی و بویژه پس از رحلت



حاج احمد آقا مسلماً این فشارها مضاعف شده بود. مباحثی چون تحجرگرایی، بحث‌های حاشیه‌ای که مرتبط با اندیشه‌های امام به وجود آمد، توهین به بیت حضرت امام، به طبع بیشترین دغدغه را آیت‌الله توسلی تحمل کرد. سؤال اینجاست که چه شد که این اواخر به این موضوعات بیش از گذشته حساسیت نشان بدهد و نهایتاً به مرگ شهادت گونه ایشان بیانجامد؟

محتشمی پور: یکی از مسائلی که می‌توانیم به عنوان دغدغه اصلی آیت‌الله توسلی قلمداد کنیم این است که بسیاری از کسانی که در انقلاب نبودند و حضور نداشتند و مخالف مبارزه بودند انجمن حجّیه و یا عناصری بودند که ولو از نظر تشکیلاتی سازمانی عنصر انجمن حجّیه نبودند ولی اینها همان راه را ادامه می‌دادند. آنها ولو یک مقطعی در مبارزه شرکت داشتند ولی در نهایت آنها به این نتیجه رسیدند که مبارزه فایده‌ای ندارد و نه تنها مبارزه را کنار گذاشتند بلکه این اواخر با هر جریانی که حرکت مبارزاتی داشت مخالفت می‌کردند. اینها بعد از رحلت امام تحرک پیدا کردند و در دوعرصه وارد شدند؛ تحریف افکار و اندیشه امام و جایگزین کردن یک سلسله افکار متحجرانه و خشونت‌طلبانه با لباس امام. اینها به عنوان اندیشه امام می‌آمدند و حرف‌های خودشان را از تریبون‌های مختلف و به صورت آزادانه مطرح می‌کردند. از طرفی آنها سعی می‌کردن یاران و دوستان امام و کسانی را که به دنبال تحقق اسلام ناب محمدی بودند به عنوان ضد ولایت فقیه و ضد دین و آموزه‌های دینی معرفی کنند و در جامعه آنها را منزوی کنند. به‌خصوص در دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی که بیشترین نوک پیکان حمله اینها شخص آقای خاتمی بود و کسانی که در دولت اصلاحات مؤثر بودند. ما و حتی آیت‌الله توسلی هیچ وقت ادعایی نکرده‌ایم که تمام کسانی که در اصلاحات بودند افرادی بودند که افکار و اندیشه‌های آنها سالم بود. همان طوری که در اصولگرایان و یا حتی در حوزه‌های علمیه هم افرادی می‌توانند باشند که افکار انحرافی دارند. از صدر اسلام وجود داشته و تا قیام قیامت هم خواهد بود.

یکی از آقایان روحانی هست که خودش را مجسمه اسلام واقعی می‌داند. بعد می‌گوید مگر من غیر از قال الصادق و قال الباقر چیز دیگری گفته‌ام! متأسفانه اینگونه می‌پندارد که هر کسی خلاف نظرش حرف زده از اسلام خارج است چون قال الصادق می‌گوید. مگر اینهایی که

می گویند که فلانی مثلاً انحراف فکری دارد اینها قال الصادق نمی گویند و یا آیات قرآن نمی خوانند؟ آنها هم می گویند قال الصادق. منتها سلیقه شان با آن آقا فرق می کند. استنباطشان با آن آقا فرق می کند. اگر اینجوری شود باید باب اجتهاد بسته شود. چون همه کسانی که قال الصادق و قال الباقر می گویند اینها نظرات مختلفی دارند فتاوا و احکام مختلف دارند. خوب جناب عالی در استنباط خودت در استنباط فقهی و حتی در مبانی کلامی اشتباه می کنی! همانطور که علمای علم کلام هم با هم اختلاف دارند، همه اینها را باید کافر و ملحد بدانید؟! مرتد بدانید؟! آیت الله توسلی از این چیزها رنج می برد. از این رنج می برد که آقایی بیاید و خودش را به جای اسلام بگذارد. الان به گونه ای شده که بعضی ها خودشان را به جای انقلاب می گذارند. در گذشته هم داشتیم که می رفتند در فلان تریبون وقتی صحبت می کردند به گونه ای صحبت می کردند که اصلاً انقلاب یعنی این آقا! نظام جمهوری اسلامی یعنی این آقا! کسی اگر به این آقا بگوید بالای چشمت ابروست از دایره انقلاب خارج شده! ضد نظام جمهوری اسلامی است. خیر، خیلی ها هستند که طرفدار انقلاب هستند ولی با نظر شما مخالفند. طرفدار ائمه اطهار(ع) و اسلام ناب هستند با دیدگاههای شما مخالفند. آیت الله توسلی می گفت آقا خودتان را نگذارید جای امام و حرف بزنید. بگویید من فلانی ام و اعتقاداتم اینهاست. نگویید این کلام امام است. امام از شماها بری بوده، زمانی که امام در حیات بودند با شما کاری نداشته، شما هم به امام کاری نداشتید. سیره امام برای ما ملاک است همانطور که سیره پیامبر برای ما ملاک است. حضرت امیر(ع) به ابن عباس فرمودند وقتی می روی با خوارج مذاکره و مناظره می کنی استدلال به آیات قرآن نکن، چون آنها هم آیاتی دارند که جواب تو را می دهند. برو به سیره پیامبر استدلال کن. ما هم امروز با سیره امام خمینی به مقابله شما می آییم. سیره امام خمینی شما را رد می کند. سیره امیرالمؤمنین افکار و اندیشه های شما را رد می کند. آیت الله توسلی جان باخت برای مقابله با جریانی که آمدند خودشان را جای امام گذاشتند و هر جا که می روند همه را حکم به ارتداد و کفر... می کنند. جریان تکفیری یعنی جریانی که حکم کفر و ارتداد غیر از تفکر خودشان را صادر می کنند. مثل جریان خوارج که علی(ع) را مشرک می دانند. جریان طالبان که هر کس غیر از خودشان را کافر می دانند.



آیت‌الله توسلی برای جلوگیری از این زاویه‌ای که در انقلاب و اسلام توسط این تفکر خشونت طلب و تکفیری ایجاد جان داد. هر کس که شهیدین می‌گوید مسلمان است. هیچ کس حق ندارید بگوید که اینها کافر هستند. مگر ابوسفیان ایمان داشت؟ ولی مسلمان بود. پیامبر دوتا بیت را بیتی قرار داد که در فتح مکه هر کس وارد این خانه‌ها بشود خودش محترم است و کسی حق ندارد به آنها تعرض کنند. یکی کعبه و دیگری خانه ابوسفیان. مگر پیامبر آنها را نمی‌شناخت؟ اما کجا گفته است که یکی از اینها مرتد است یا کافر؟ حضرت علی(ع) تا آخر خوارج را کافر

نمی‌دانست. آنها را مسلمان می‌دانست می‌فرمود که اینها اشتباه کردند. آیت‌الله توسلی با این ویژگی‌ها جان باخت. و از اینها ناراحت بود و رنج می‌کشید که دیگر تاب تحمل آنها را نداشت.

حضور: خصوصیت بارز ایشان چه بود؟

محتشمی پور: من جرأت و شجاعت آقای توسلی را در بیان حقایق یکی از خصوصیات بسیار بارز ایشان می‌دانم.

حضور: آخرین دیدارتان کی بود؟

محتشمی پور: آخرین دیدار ما در مجمع روحانیون بود که قبل از رحلتشان بود در جلسه قبل از فوت ایشان که در مجمع روحانیون بود ایشان به شدت از مسائلی که رخ داده بود و منجر شد که ایشان آن سخنرانی را در مجمع تشخیص بفرمایند، ناراحت بود و از مجمع قاطعانه می‌خواست

که شما باید بیایید و اعلام موضع کنید. نمی‌شود که مجمع به مسئولیت خودش عمل نکنند. البته ایشان در زمینه‌های مختلف انحرافات را که مشاهده می‌کرد از مجمع مصرانه می‌خواست که به تکلیف شرعی و وظیفه سیاسی‌اش عمل کنند. معتقد بود که امام با تأسیس مجمع روحانیون موافقت کردند برای همین روزها و موضع‌گیریها است. جلسه آخر مجمع هم به خاطر دارم که آیت‌الله توسلی درخواست می‌کرد که مجمع روحانیون مبارز یک بیانیه‌ای صادر کند و مواضع‌اش را راجع به مسائل جاری انحراف و تحجر بیان کند.

حضور: خاطره‌ای از مرحوم توسلی هم دارید؟

محتشمی پور: جریان‌اتی در دوران جنگ بود که بخشی از آنها ایرانی نبودند و یا ایرانی‌هایی بودند که تابعیت کشورهای دیگر مثل عراق، کویت و... را داشتند، که در قالب لشکر بدر و لشکرهای دیگر در جبهه شرکت می‌کردند. برخی از اینها خیلی علاقه داشتند که به حضرت امام مرتبط شوند و ملاقات کنند. یکی از آن افراد که نمی‌توانم اسم ببرم کسی بود که شهید شد و خانمش الان هست. این آقا با خانمش که عراقی بود به عراق می‌روند و در بغداد به دلیل تخصصی که داشت یک ارتباط مستقیمی را با ایران برقرار می‌کند که راجع به هدفهایی که سپاه پاسداران در بغداد مورد حمله قرار می‌داد گزارش می‌داد و می‌گفت نقطه‌ای را که نیروهای ایران هدف قرار دادند دقیقاً در کجا واقع شده بود و یا چقدر انحراف داشت و تصحیح می‌کرد. بعد از مدتی رژیم بعثی موضوع را فهمید و این زن و شوهر را پیدا و دستگیر کرد. شما تصور کنید که پدر و مادر و اقوام این زوج چه حالی در ایران پیدا می‌کنند. این زوج به زندان صدام می‌افتند، شوهر به اعدام محکوم می‌شود و اعدام می‌شود این خانم هم محکوم به حبس ابد در زندان بغداد می‌شود. در زمان دستگیری، این خانم حامله بود که فرزندش را در زندان بغداد به دنیا آورد. پدر و مادر و برادران این دختر که در ایران بودند خیلی مضطرب و نگران بودند و دلشان می‌خواست که امام را ببینند. می‌آیند خدمت آقای توسلی برای زیارت آقا. ایشان هم خدمت امام می‌رود و موضوع را شرح می‌دهد و این ارتباط را با امام برای اینها برقرار می‌کند. خانواده خدمت امام می‌رسند و



داستان دخترشان را برای حضرت امام بیان می‌کنند، با تمام این مقدماتی که عرض شد. وقتی اینها می‌نشینند، آقای توسلی خدمت امام عرض می‌کند و این خانواده را معرفی می‌کند. مهم این است که خانواده از امام درخواست می‌کند که دعا کند که این دختر آزاد شود. حضرت امام در آن جلسه دعا می‌کند و بعد می‌فرمایند انشاءالله آزاد شوند. آزادی این خانم از محاللات بود. کسی که با شوهرش دقیقاً در مواجهه و جنگ با رژیم بعثی حضور و شرکت داشته و موجب شده ضربات مهلکی به بدنه نظامی رژیم بعث وارد شود، چگونه می‌توانست آزاد شود. شما تصور کنید که این خانم چه سرنوشتی داشت. مدت نه چندان دوری نقل کردند - من برادر این خانم را دیدم - نقل کرد یک حکم عفوی صدام داده بود در یک ماده قانونی، که آنهایی که مشمول این ماده قانونی می‌شوند مشمول عفو می‌شوند و این خانم تحت این ماده قانونی می‌گنجد و لذا آزاد می‌شود و روزی به آن خانم می‌گویند که شما آزاد هستید. آشنایی را معرفی کنید که ما شما را به آن تحویل بدهیم. این خانم باور نمی‌کرد که با آن بچه شیرخواره آزاد شده. اقوام این خانم در بغداد بودند اما وقتی او را به در هر خانه ای در بغداد می‌بردند و معرفی می‌کردند، می‌گفتند ما شما را اصلاً نمی‌شناسیم! از ترسشان که نکند این باعث شود که به دردسر بیافتند. بالاخره به ایران خبر می‌دهند با هزار زحمت در یکی از شهرها (شاید ناصریه) نفری را پیدا می‌کنند و خانم را تحویل ایشان می‌دهند تا به کویت آمده و از آنجا به ایران می‌آید که بعد از آزادی با بچه شیرخوار خدمت امام می‌رسد. همه می‌گفتند که این هم از همان دعای امام بود و باعث آن هم آقای توسلی بود. امام مستجاب الدعوه بود.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برداشت چهارم

(سخن یاران و دوستان)

آیت‌الله العظمی صانعی:

مرحوم توسلی در مبارزات و نهضت با همان وقار و صبوری خود، امام امت (سلام الله علیه) را یاری و کمک می‌کرد و جزء حلقه‌های اولیه یاران امام در انقلاب به شمار می‌رفت و با وجود مشکلات فراوان و گفته‌های متحجران، شجاعت و صبوری خود را در همه مواقع حفظ می‌کرد و با این خلق و رفتار، دشمنان را نیز غمگین و دوستان را شاد می‌کرد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی:

برای من لحظه آخر عمر آیت‌الله توسلی یک لحظه تاریخی است و شما نمی‌دانید در آن لحظه بر من چه گذشت. زمانی که ما در مجمع تشخیص مصلحت نظام کارمان را شروع کردیم پیش از جلسه ایشان اجازه خواست تا چند کلمه‌ای حرف بزند. ایشان در طول ۱۰ الی ۱۲ دقیقه‌ای که سخن گفت به نکات مهمی اشاره کرد که برای من از لحاظ عرفانی دارای مضامین جالبی بود و همان چیزهایی را گفت که در وجودش بود.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی:

آیت‌الله جناب حاج شیخ محمدرضا توسلی رضوان‌الله علیه انسان بزرگ‌منش، منبع‌الطبع کریم و اخلاقی بود که عمر مبارکش را در تحصیلی علوم دینی و ترویج آئین سپری کرد و به درجه والای اجتهاد رسید و فقهی بزرگوار و عالمی ژرف اندیش بود که بخش مهمی از عمر شریفش را در کنار و در خدمت امام بزرگوار گذراند. امامی که رهبری ممتاز او انقلاب و جمهوری اسلامی را در یکی از حساس‌ترین لحظه‌های تاریخ بر پا کرد و بدون تردید آیت‌الله

توسلی از جمله کسانی است که بیشترین رابطه و علاقه را به این انقلاب و نظام داشت هر چند که چندان راضی از دنیا نرفت.

آیت الله موسوی اردبیلی:

مورد اعتماد حضرت امام بودند و کارهایی را که حضرت امام به ایشان می سپردند بخوبی انجام می دادند. علاقه ایشان آنقدر زیاد بود که امام را تنها نمی گذاشت و اکثر کارهایی را که به امام مربوط می شد ایشان انجام می داد. تأثیری که برای ایشان پیش آمد و منجر به فوت ایشان هم شد مربوط به خطر تحریف اندیشه امام بود. از آن که می دیدند که روند جامعه به گونه ای است که نسبت به نزدیکان امام بی توجهی می شود، ناراحت بودند. گلایه هایی را که ایشان در این موضوعات داشت همه شنیده بودند. ما هم شنیده بودیم. خیلی هم گله مند بود. من به ایشان گفتم که این موضوع طبیعی است. با امام حسین (ع) و با پیغمبر (ص) با بزرگان دیگر هم چنین رفتاری داشتند.

حجت الاسلام و المسلمین مهدی کروبی:

نزدیک به بیست سال است که امام رحلت کرده باز هم ایشان وفادار بودند. ایشان مورد اطمینان و توجه امام بود. وفادار به نظام و وفادار به ولایت فقیه بود. می توان گفت که یکی از چهره های ثابت قدم در راه امام بود. مرحوم آیت ا... توسلی رنج زیاد دید. زندان رفت. برای امام و در راه امام ایستادگی کرد و صدمه دید. بعد از پیروزی انقلاب هم یکی از محکمترین و باوفاترین افرادی بود که در آن ده سال حضور امام، در کنار امام بود.

آیت الله ابطحی کاشانی:

- آیا بعد از اینکه آقای توسلی در دفتر امام مشغول شدند و معروف شدند و تقریباً هر شب تلویزیون ایشان را نشان می داد شما تغییری در رفتار ایشان مشاهده کردید؟
آیت الله کاشانی: نخیر همان صمیمیتی که داشتند بود بلکه بیشتر شد.

- از میزان توجه و اعتماد حضرت امام به مرحوم آیت‌الله توسلی چه اطلاعی دارید؟

آیت‌الله کاشانی: بله کاملاً مورد اعتماد حضرت امام بودند و در آن اوائل که جامعه مدرسین نسبت به دولت میرحسین و هیئت وزیران و برنامه‌های دولت نظراتی داشتند و انتقاداتی را که از طرف افراد به جامعه مدرسین می‌رسید به امام منتقل می‌کردند، امام آقای توسلی و یک نفر دیگر را که الان یادم نیست کی بود فرستادند و پیغام دادند که دولت را تضعیف نکنید و از آن به بعد جامعه دست و پای خودش را جمع کرد.

از طرف دیگر چون ایشان مسئول ملاقاتهای حضرت امام هم بودند، وسیله ای بودند تا افراد بتوانند خدمت حضرت امام برسند و مشکلاتشان را حل کنند.

عیسی والایی (داماد آیت الله توسلی):

یکی از ویژگیهای ایشان صبر و حلم و عاطفی بودن ایشان بود. در مسائل عاطفی بی نظیر بود. اگر نیازمندی را می‌دید که اظهار نیاز می‌کرد و یا ظلمی در حق کسی می‌شد بر می‌آشفتم، و می‌گفتم که مثلاً دین که این را نگفته و انقلاب برای این نشده. اینها سر منشأ عاطفی بودن ایشان بود. عشق به امام بزرگترین ویژگی اش بود و بعد صبر و حلم و عاطفی بودن ایشان. آیت‌الله توسلی در اواخر عمر خود همواره نگران بود. دغدغه داشت. همیشه دوست داشت دفتر امام زنده و پویا بماند. هیچگاه دوست نداشت شخصیتی را که در دفتر امام شکل گرفته جای دیگر خرج کند با اینکه خیلی خریدار هم داشت.

خانم صدیقه ترابی (همسر آیت الله توسلی):

سیزده سالم بود که با ایشان ازدواج کردم. همان سالها به قم آمدم چون حضرت امام تابستانها به محلات می‌آمدند و آقای توسلی آنجا به ایشان علاقمنده شدند، تصمیم گرفتند برای طلبه شدن به قم بیایند. به قم آمدم و آقای توسلی بطور جدی مشغول درس شدند. تماماً مشغول درس بودند. علاقه عجیبی به امام داشت. کم کم فعالیت مبارزاتی را شروع کرد تا وقتی که



حضرت امام به ترکیه و بعد به نجف تبعید شدند. بی‌قراری می‌کردند و می‌گفت من هم می‌خواهم بروم که البته بالاخره رفتند و حضرت امام را دیدند. چندین بار هم خدمت امام رفتند. با اینکه من در غربت بودم با رفتن ایشان مخالفتی نداشتم. بار اول ده روز در راه بودند. روزها مخفی می‌شدند و شبها راه می‌رفتند تا اینکه خدمت امام می‌رسیدند، که سفر اولشان دو ماه طول کشید. در آن سالها در منزل امام در محله یخچال قاضی به اتفاق چند تن از دوستانش مشغول فعالیت بودند. در سالهای تبعید حضرت امام مدام از سوی ساواک تهدید و دستگیر می‌شدند. در آن ایام

برای گذراندن زندگی برای تبلیغ به شهرهای مختلف می‌رفتند چون امورات مان اداره نمی‌شد. ایشان از نظر اخلاقی انسان بسیار خوبی بودند، بسیار منظم بود. فکر می‌کنم جزء معدود افرادی بود که اینقدر به امام علاقمند بود. در وجوهات، مسائل مربوط به خرج و مخارج منزل همیشه معیار عملکرد ایشان حضرت امام بود. بسیار عاطفی بود. ابدأ از ایشان عصبانیتی ندیدم. این اواخر بسیار کلافه بود از توهینی که به بیت امام شد. دنبال راه چاره بود. شب قبل از فوت شان به آقای هاشمی زنگ زدند و با ایشان قرار گذاشتند که در جلسه فردای مجمع تشخیص مصلحت نظام صحبت کنند. آقای هاشمی هم در نماز جمعه صحبت کردند. متن مفصلی نوشته بودند و در آن سخنرانی مطرح کردند. خیلی به امام علاقه داشت زندگی خودش را وقف اندیشه امام کرد، و تا آخر هم از امام دفاع کرد.

حسین توسلی (فرزند آخر آیت توسلی):

مرحوم پدرم مظهر عشق به امام و انقلاب بود و تمام عمر خودش را صرف آن کرد. تا آخر عمرشان با همان حرارت و عشقی که به امام و انقلاب داشت حرف می‌زد. در همه جا و همه کارها امام الگوی پدرم بود. بعد از ارتحال امام هم دفتر را ترک نکرد. همواره نگهبان اندیشه امام بود. از نظر عاطفی بسیار وابسته به خانواده بود. وقتی که اهانتی به بیت امام صورت گرفت بسیار ناراحت بود. غم در چهره پدرم نمایان بود. ما را به دینداری توصیه می‌کرد و می‌گفت برای آخرت خود توشه جمع کنید. عشق به امام در همه وجودش بود و ما آن را لمس می‌کردیم.

برداشت پنجم

(گفتگو با آیت‌الله توسلی)

متن ذیل خلاصه‌ای است از چند گفت‌وگو با مرحوم آیت‌الله توسلی که در روزنامه‌های مردم سالاری (شماره ۶۸۴)، آفرینش شماره (۲۲۵۸)، آفتاب یزد شماره (۱۷۰۵) و... انجام شده است.

- چگونه با حضرت امام همراه شدید؟

- ما آن موقع قم بودیم، بعد از آنکه حضرت امام (س) وارد قم شدند، کار ما هم شروع شد. وقتی امام (س) وارد قم شدند ماه اسفند بود. امام تا اسفند ۵۷ در تهران بودند. در آنجا دولت موقت را تعیین کردند و دیدارهایی با مردم داشتند و بعد وارد قم شدند. من جزو اعضای جامعه مدرسین آن موقع بودم. در آن موقع جامعه مدرسین حوزه علمیه قم من را به عنوان مسئول ملاقاتهای حضرت امام (س) معرفی کردند. لذا من از آن موقع مسئول این کار شدم و ملاقاتهای امام را تنظیم کردم. ملاقاتهای حضرت امام ابتدا در مدرسه فیضیه قم بود. البته در مدرسه فیضیه جای محدودی بود ولی بعد از ظهرها ملاقاتها آنجا انجام می‌شد. جمعیت که از سراسر کشور می‌آمدند. آن خانه



متعلق به آقای یزدی بود و روبروی خانه آقای اشراقی (داماد امام) بود. امام دو نوع ملاقات داشت: یک ملاقات‌های عمومی که کیفیت آن را عرض کردم و ما این ملاقات‌ها را هم یادداشت می‌کردیم؛ و یک نوع ملاقات‌های خصوصی بود که در داخل خانه انجام می‌شد. در ملاقات‌های خصوصی معمولاً شخصیت‌های سیاسی می‌آمدند و هیئت دولت، شورای انقلاب و دیگر موارد از تهران و یا برخی از قم می‌آمدند و ملاقاتها در اتاقی کوچک انجام می‌شد. این رویه در قم ادامه داشت تا اینکه کسالت حضرت امام پیش آمد.

ابتدای کسالت امام از آنجا شروع شد که یک روز که حزب خلق مسلمان به طرف خانه امام حرکت کرد. امام انتظار نداشت که از خانه یک مرجع تقلید (آقای شریعتمداری) که حزب خلق مسلمان برای او بود، این اعمال صورت گیرد. شریعتمداری ادعا داشت که تبریز به او واگذار شود و استاندارش را خودش تعیین کند. روز قبل از این جریان امام به خانه او رفت و به او گفت که من و شما آفتاب لب بوم هستیم و عمرمان به آخر رسیده است. ولی خلق مسلمان به طرف بیت امام حرکت کردند و می‌خواستند تظاهراتی علیه امام انجام دهند، آن روز ملاقات برای یک عده‌ای از خلخال‌ها بود که امام داشت برای آنها صحبت می‌کرد. با اقدام آنها، امام رنگش تغییر کرد و به منزل آقای اشراقی رفتند و همین منشأ بیماریهای قلبی امام بود، به همین دلیل پروفیسور معصومی گفت که باید شبانه به تهران حرکت کنید.

امام بر روی برانکارد بود و کاغذ کوچکی به دست من داد و گفت: «این را به اخوی بدهید.» به کاغذ نگاه کردم نوشته بود پول‌هایی که در بانک است، مربوط به دارایی و مال من نیست، مربوط به وجوهات شرعی است، مال شخصی نیست، به آقای پسندیده بگویید که این را بدهید به طلاب.

حضرت امام را به بیمارستان قلب رجایی آوردند و ایشان دو ماه بستری بود. ایشان در روز امضای حکم بنی صدر توان سخن گفتن نداشت.

- امور دفتر امام آن موقع چگونه انجام می‌شد؟

- در امور دفتر آن موقع عده‌ای بودند. دفتر قم در خانه مرحوم آقای اشراقی، یک اتاق برای من بود و مربوط به ملاقات‌ها و تنظیم ملاقات‌ها بود و یک اتاق هم برای پاسخ به تلفن‌ها بود. آقای محتشمی‌پور آن وقت مسئول این کار بود و در رأس همه اینها حاج احمد آقا بود.

- دفتر امام بعد از انقلاب کجا بود، قم یا تهران؟

- امام وقتی وارد ایران شدند حدود ده روز در تهران بود، بعد از ۲۲ بهمن وارد قم شد. در آنجا ایشان به دلیل کثرت جمعیت، بالای پشت بام می‌ایستاد. اولش در مدرسه فیضیه بود، مسئول ملاقات من بودم. از آن وقت که مسأله کثرت جدی شد و دو نفر زیر دست و پا جان خود را از دست دادند، امام ملاقات مدرسه فیضیه را ترک کرد و به خانه آمدند. هر روز ملاقات زیادی داشتند، ملاقات خصوصی و عمومی. ملاقات خصوصی امام در اتاق بود و ملاقاتهای عمومی در منزل دامادشان مرحوم اشراقی برگزار می‌شد.

- جماران را چگونه انتخاب کردند؟

- حضرت امام (ره) بعد از آنکه از بیمارستان مرخص شدند ابتدا به خانه‌ای در دربند رفتند ولی بعد از مدتی گفتند اینجا مناسب نیست بروید دنبال خانه‌ای مناسب بگردید. حاج احمد آقا مدتی گشتند و سپس آقای امام جمارانی، که به محل آشنا بودند، منزل خود را برای اقامت امام پیشنهاد کردند. مرحوم حاج احمد آقا این محل را به حضرت امام پیشنهاد دادند و ایشان پذیرفتند و از آن پس به جماران منتقل شدند. اینجا ابتدا یک حسینیه مختصر بود که این حسینیه البته با همان کیفیت باقی مانده است.

در آن ایام حسینیه در حال تعمیر بود، خواستند تعمیر را ادامه بدهند و حسینیه را سفید کنند که امام (س) نپذیرفتند و فرمودند به آقای امام جمارانی بگویید اگر می‌خواهید من اینجا بمانم، حسینیه با همان کیفیت باقی بماند. حتی من یادم هست یک روزی، عده‌ای آمدند به امام گفتند این حسینیه با این کیفیت برای این جمعیت کافی نیست. بغل حسینیه یک محلی بود، آن را بخریم و



حسینیه را بزرگتر کنیم. امام فرمودند، نخیر همین حسینیه با همین کیفیت کافی است و نیازی نیست. و لذا تا آخر عمر ایشان هم در همین حسینیه سخنرانی انجام دادند و این را با اینکه گفتم ولی باز بد نیست که بگویم. بعد از فوت امام بود یک عده‌ای از فرانسه آمده بودند در بین آنها دو کشیش هم بود که آنها پروفیسور هم بودند. آنها روز چهارم امام وارد ایران شدند. آنها سال قبل هم برای ملاقات امام به این حسینیه آمده بودند. من یادم هست که اینها گفتند، اجازه می‌دهید ما به سبک خودمان برای امام عزاداری کنیم. گفتیم مانعی ندارد. رو کردند به من گفتند تقاضای ما این است که اینجا را بگذارید با همین کیفیت باقی بماند تا مردم دنیا بیایند و ببینند مرکز زندگی و سخنرانی امام در چه نقطه‌ای بوده است که اینطور مردم به ایشان علاقه‌مند بودند و سخنان امام از همین نقطه انجام می‌گرفت که دنیا را به لرزه در می‌آورد.

- دفتر امام از همان ابتدا که تأسیس شد، آیا در همین محل که الان هستیم، بود؟

- نه، اینجا نبود. اول دفتر امام همانجا بغل حسینیه دو تا اتاق بود. یک اتاق برای ما بود و به مسائل شرعی و ملاقاتها می‌پرداختیم. یک اتاق هم برای این بود، افرادی که می‌خواهند به ملاقات خصوصی با امام بروند آنجا می‌نشستند تا نوبت آنها بشود. ملاقات خصوصی در اتاق انجام می‌شد و ملاقات‌های عمومی در حسینیه. دفتر امام تا مدت‌ها آنجا بود. بعد از آنکه دستگاه وسیع‌تر شد و آن دو اتاق، دیگر اکتفا نکرد، دفتر امام به همین ساختمانی که الان هستیم منتقل شد. اینجا هم دو کار

اصلی انجام می‌شد. یک تنظیم ملاقات‌های امام که مسئولیت آن با من بود و یک اتاق هم مربوط به وجوهات و پاسخ به استفتائات بود که در آنجا حدود چهار نفر کار می‌کردند که متصدی ایشان آقای رسولی بود و افرادی مثل آقای رحیمیان با ایشان کار می‌کردند. البته بنده در کنار تنظیم ملاقاتها به مسائل شرعی هم پاسخ می‌دادم. در این مجموعه یک اتاق هم بود که مربوط به آقای صانعی خودمان (شیخ حسن صانعی) بود.

- آقای صانعی چه کار می‌کردند؟

- آقای صانعی صبح‌های زود خدمت امام می‌رفتند و معمولاً هم با آقای رسولی بودند. ایشان علاوه بر مسائل مربوط به وجوهات، نامه‌های خصوصی را خدمت امام ارائه می‌دادند و اگر مطلبی یا بیانیه‌ای قرار بود منتشر شود، آنها تنظیم می‌کردند، مرحوم حاج احمد آقا که در رأس بودند. می‌شود گفت اداره دفتر امام محدود به همین چند نفر بود و کار من بعد از ساعت ۹ شروع می‌شد. و صرفاً مربوط به ملاقات‌های حضرت امام بود. ساعت ۹ زمان ملاقاتهای عمومی حضرت امام بود و ایشان بر نظم و دقیق بودن برنامه‌هایشان خیلی حساس بودند. من یادم هست یک روز ملاقات‌کننده‌ها چند دقیقه دیر رسیدند، امام سریع ساعتشان را درآوردند، گفتند آقای توسلی ساعت ۹ گذشت، پس چه شد؟ امام معمولاً تندی نمی‌کردند ولی با یک لحن تندی رو کردند به من و گفتند: مسئول توهستی، می‌دانی که من وقتم منظم است. امام خیلی منظم بودند بیش از آنچه تصور می‌شود. ایشان هر روز قبل از ورود به حسینیه، اولین کاری که می‌کردند این بود که جلوی آئینه می‌ایستادند، عمامه خود را مرتب می‌کردند، به ریش‌ها و ابروهای خود شانه می‌زدند و پس از مرتب شدن به حسینیه می‌آمدند. امام خیلی دقیق بودند، ملاقاتهای حضرت امام با همین کیفیت ادامه پیدا کرد، منتهی این اواخر دیگر ملاقاتهای ایشان محدود شد. بعد از آنکه امام قطعنامه را پذیرفتند و گفتند جام زهر را نوشیدم، من دیگر خنده به لب ایشان ندیدم و ملاقات‌ها معمولاً بدون صحبت بود و بیشتر به خانواده شهدا اختصاص داشت. چرا که امام فرموده بودند همیشه برای ملاقات با خانواده شهدا آماده هستند. در ملاقات با خانواده شهدا، بعضی وقتها امام صحبت

می کردند و وقتی هم صحبت نمی کردند، آقای کریمی سخنرانی می کردند. و اگر آقای کریمی نمی آمدند من صحبت می کردم. و آن اواخر دیگر امام اصلاً صحبت نمی کردند. امام (س) آن اواخر به من گفتند که دیگر حال ندارند و خسته اند. امام آن اواخر واقعاً خسته شده بودند.

- از نظر تشکیلاتی برای دفتر مسئول تعیین کردند؟

- حاج احمد آقا بود. در قم که بودیم امام، من، شیخ حسن صانعی و یک عده دیگر را برای پاسخ به مسائل شرعی اضافه کردند. زیرا رفت و آمد و ملاقات های عمومی و خصوصی زیاد شد. مثلاً امام در یک روز ۱۴ عقد خواند؛ به این کار علاقه مند بودند.

- از زمان تبعید امام بعد از ترکیه بگویید.

- امام بعد از ترکیه به عراق رفتند و از نجف وارد کاظمین شدند. حاج آقا مصطفی تعریف می کرد وقتی وارد فرودگاه شدیم نمی دانستیم کجا باید برویم. بنابراین تاکسی گرفتیم و رفتیم کاظمین. امام آنجا تلفن زدند حاجی نصرالله خلخالی که از رفقایشان در نجف بودند و پس از آن طلاب نجف مطلع شدند که امام وارد کربلا شده است. امام، نماز جمعه را در صحن کربلا خوانده و استقبال کردند.

امام ۱۴ سال در نجف بودند و در این مدت خواندن زیارت کنار قبر امیرالمؤمنین (ع) را در هر شب ترک نکردند. ایشان هر شب زیارت جامعه کبیره را می خواندند. در اوایل نماز مغرب و عشاء را در مدرسه آقای بروجردی می خواندند و سر ساعت ۹ برنامه امام این بود که در حرم حاضر شوند. نظم امام این بود. سر ساعت و به موقع خودش کارش را انجام می داد.

- از ملاقات های حضرت امام با سران دولتها خاطره ای هم دارید؟

- ملاقات با سران معمولاً مربوط به مرحوم حاج احمد آقا بود و خود ایشان برنامه را تنظیم می کردند. برنامه ها هم منظم بود و همیشه روزهای خاصی در هفته برنامه های ملاقات بود. در این

ملاقاتها هم حاج احمد آقا خودشان حضور داشتند. اما ملاقات خصوصی غیر از سران، را ما تنظیم می کردیم. یکی از این ملاقات‌ها، ملاقات با آقای اراکی بود که جالب است اینجا برای شما بگویم. ایشان از مشهد آمده بود، امام من را فرستادند تا از طرف امام با ایشان دیدار کنم. من از طرف امام به دیدار آقای اراکی رفتم، پیرمرد بودند. وقتی خدمت ایشان رفتم و گفتم از طرف امام هستم خیلی خوشحال شد و شعری خواند، تعبیرش این بود:

به امام بگویند این همه آوازه‌ها از شماست... ظاهراً وقتی ایشان وارد مشهد شده بودند، ایشان را برده بودند داخل ضریح حضرت امام رضا(ع) و از توی ضریح زیارت کرده بودند و خیلی خوشحال شده بودند. به همین دلیل گفتند به امام بگویند یادتان هست ما در عراق که بودیم آخرین آرزویمان این بود که بتوانیم روز عاشورا دسته‌ای بیرون بیاید و ما بتوانیم سینه‌ای بزنیم، حالا ببینید کار به کجا کشیده است. من باید بروم داخل ضریح امام رضا(ع). ایشان خیلی خوشحال شده بودند. من برگشتم ماجرا را خدمت امام عرض کردم. روزی بنا بود آیت‌الله اراکی بیایند خدمت امام و امام را ببینند. در آن زمان مدت‌ها بود که امام با کسی رفت و آمدی نداشت. امام را خبر کردیم که آقای اراکی می‌خواهند تشریف بیاورند. این ماجرا را هیچگاه فراموش نمی‌کنم. وقتی امام به اتاق ملاقات می‌رفتند معمولاً یک جلیقه و پیراهن و شلوار بر تن ایشان بود و از محدود روزهایی که امام لباس رسمی بر تن کرد، هم قبا پوشید و هم عمامه بر سر گذاشت و هم عبا بر دوش کرد، روزی بود که آقای اراکی می‌خواستند به دیدن ایشان بیایند. امام هیچ وقت هم به استقبال کسی نمی‌رفت. در ملاقات‌ها همه خدمت امام می‌رسیدند. اما آن روز وقتی که آقای اراکی می‌خواست وارد خانه شود امام بلند شد و جلوی ایوان رفت و از آقای اراکی استقبال کرد. آقای اراکی قدش خمیده بود، قدش را بلند کرد انگشتش را به طرف امام کرد و گفت: «السلام علیک یا بن رسول‌الله»، «السلام علیک یا بن رسول‌الله» و امام زیر بغلش را گرفت، آورد و در بالادست خودش، روی آن صندلی که خودش نشسته بود، نشاند و آقای اراکی رو کرد به امام «انت مجدد المذهب» «تو تجدیدکننده مذهب هستی». یک روایتی هست که می‌گوید هر صد سال یک کسی می‌آید و مذهب را تجدید می‌کند. اشاره آقای اراکی به آن روایت بود. ایشان بلافاصله

دست زدند پشت کمر ایشان فرمودند: «آقا شما شیخ‌الفقهای ما هستید، شما بزرگید و شما شیخ‌الفقها هستید». آقای اراکی هفت سال از امام بزرگتر بودند. امام بسیار احترام ایشان را نگه می‌داشت. این ملاقات یک خاطره به یاد ماندنی از ملاقاتهای امام بود.

- مراقبت‌های حضرت امام درباره نحوه فعالیت اعضای دفتر ایشان چگونه بود؟

- امام دستور داد اعضای دفتر حق دخالت در امور مملکت را ندارند، توصیه و سفارش نکنند، تلفن‌های زیادی نشود، زیرا تلفن‌ها مخصوص مسائل شرعی بود. امام گاهی نگاه می‌کرد، اگر چراغ اتاقی روشن بود، فوراً آیفون می‌زدند که چرا چراغ این اتاق روشن است، تذکر می‌دادند که روز است و چراغ باید خاموش باشد. ایشان این اندازه عنایت داشتند. ساعت ۸ نامه‌هایی که برای امام فرستاده می‌شد را به ایشان می‌دادیم. امام می‌گفتند چرا در نامه‌هایی که برایم می‌آوردید همیشه تعریف است؟ مطمئناً فحش هم در این نامه‌ها نوشته شده، چرا آنها را نمی‌آوردید.

- نمی‌بردید؟

- مسئول نامه نبودم، اما جالب است ایشان می‌گفتند حتی نامه فحش را بیاورید و نمی‌شود در این تعداد نامه یک فحش نباشد.

- دفتر حضرت امام به تعبیر رایج امروزی از همه خط و جناح‌ها بودند؟

- وقت‌ها اینطور نبود. امام هیچ‌گاه نمی‌گذاشت گروه خاصی باشد، اگر یک گروه شکست می‌خورد فوراً جبران می‌کرد؛ به آن طرف هم عنایت می‌کرد.

- درباره دیدگاه فقهی و پویای حضرت امام فرمایید.

- امام مجمع تشخیص مصلحت را قرار داد تا اگر در مسائلی از نظر فقهی حکمی داده شد، اما مصلحت مملکت ایجاب کرد که باید در فلان موضوع مصلحت نظام و اسلام در نظر گرفته شود، بتوان آن را در نظر گرفت؛ برای همین آن را تأسیس کردند.

- مباحثی که خود امام وارد شد؛ از جمله شطرنج که سؤال شده بود توضیح بفرمایید.
- آن نامه را من نوشتم و خطش خط من است، که امام گفت خیلی خوب نوشتی. امام می گوید این آلت قمار اگر موضوعیتش را از دست بدهد و دیگر آلت قمار نباشد، بازی کردنش اشکال ندارد.

- از احترام حضرت امام به آیت الله بروجردی و شروع نهضت بفرمایید.
- امام تا زمانی که مرحوم بروجردی زنده بودند به احترام خاصی که برای ایشان قائل بودند هیچ دخالتی در کارها نمی کردند ولیکن مرحوم آیت الله بروجردی همواره از ایشان مشورت می گرفتند.

زمانی که نواب صفوی را اعدام کردند، امام بسیار ناراحت بود و معتقد بود که باید زودتر اقدام می شد که کار به اینجا نرسد. وقتی آیت الله بروجردی فوت کرد بحث انجمن های ایالتی و ولایتی مطرح شد. امام فهمید که شاه نیز منتظر همین فرصت بوده است. ولی امام با درایت خود متوجه این مسئله شد و نهضت را از همان جا شروع کرد و سعی کرد بقیه علما و مراجع را با نطقهای آتشین خود که در بیت سایر مراجع برگزار می شد همراه کند.

- با متحجرین و مقدس نماها چگونه مبارزه می کرد؟
- باید بدانیم این انقلاب یک شبه به ثمر نرسید. امام از همان ابتدا با دو دسته به مبارزه پرداخت. یک جبهه مبارزه با شاه بود و جبهه دیگر مبارزه با متحجرین و مقدس نماها و افرادی که بر حسب ظاهر اظهار تقدس می کردند تا خود را متشرع نشان دهند. در آن زمان افرادی شاه را ضل... و سایه خدا معرفی می کردند و در ذهن مردم جا انداخته بودند که کسی نمی تواند با شاه مبارزه کند. شاید اولین کسی که در طول تاریخ شیعه در مقابل شاه ایستاد امام بود. امام یک فرد استثنایی در عالم تشیع و عرفان و فلسفه و فقه بود.

امام مبارزه را از دل حوزه شروع کرد. امام درد دل‌های بسیاری داشت و این نامه یکی از آنها بود. روزی که امام می‌خواست نجف را ترک نکند گفت: من با حضرت علی (ع) بسیار مأنوس بودم اما صدماتی که در اینجا خوردم بسیار سنگین بود. چرا که برای بسیاری از روحانیون بی‌معنی بود که فردی از قم بیاید و نظریه ولایت فقیه را مطرح کند. امام از طایفه متحجرین و مقدس‌نماها خیلی زجر کشید.

عبادت و معنویت امام از همان ابتدای طلبگی برای همه زبانزد بود. اما هیچ وقت اهل ریا نبود. هیچگاه کسی ندید امام تسبیح به دست بگیرد و ذکر بگوید. اگر ذکر می‌گفت در خانه و در حال قدم زدن بود. مردم گریه امام را فقط در روز عاشورا می‌دیدند. حتی به مناسبت سالروز شهادت حضرت فاطمه (س) در قم سه روز اقامه عزا می‌کرد و از افراد اهل علم دعوت می‌کردند. گریه‌های امام برای نیمه‌های شب بود.

- در مورد پرهیز امام از تعریف و تمجید توضیح بفرمایید.

- اگر کسی از ایشان تعریف می‌کرد بسیار ناراحت می‌شد. یادم هست در اولین دوره مجلس نمایندگان ۱۳۵۹/۳/۴ با ایشان دیدار داشتند، آقای فخرالدین حجازی در ابتدا به سخنرانی پرداخت و خطاب به امام گفت: «بابی انت و امی» و بعد شروع کرد به تعریف و تمجید از حضرت امام. امام هم بلافاصله در پاسخ گفتند: «خوف این را دارم مطالبی که آقای حجازی در باره من فرمودند باورم بیاید و غرور و انحطاط پیش آید به خدای تبارک و تعالی پناه می‌برم.»

وقتی ائمه جماعات در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۷ برای دیدن امام به حسینیه جماران آمده بودند. آقای مشکینی به عنوان امام جمعه قم شروع به تعریف کردن از امام کرد، امام بلافاصله فرمودند: «قبلاً از آقای مشکینی گله کنم ما همین قدر که گرفتار نفس خود هستیم کافی است. دیگر مسائلی نفرمایید که در نفوس ما انباشته شود و ما را به عقب برگرداند. شما دعا کنید که ما آدم بشویم.»

روزی داشتم به طرف دفتر امام می‌رفتم. دیدم مرحوم حاج احمد آقا به یکی از دوستان می‌گوید امروز پیش امام نرو. چون امروز در سخنرانی‌ات که از رادیو پخش می‌شد از امام تعریف

کرده بودی و امام از این تعاریف ناراحت شده است.

امام می گفت: «من هم یک فرد عادی هستم و بیجا از من تعریف نکنید». اگر کسی در تعریف از امام غلو می کرد، باعث ناراحتی ایشان می شد.

مردم را به ریا تشویق نکنید، پابرهنگان بیشتر از مسئولان حق دارند.

یادم هست محمد هاشمی رئیس سابق سازمان صدا و سیما خدمت امام آمد و گفت دستور دادم مجریان برنامه‌های سیما ریش بگذارند. امام در پاسخ گفت: محمد! مردم را وادار به ریا نکن که از ریش بهره دینی ببرند. امام به محمد هاشمی انتقاد می کرد که چرا اینقدر اسم مرا در رادیو تلویزیون می بریدی؟ از این وضع رادیو تلویزیون خوشم نمی آید. واقع آن است که آنقدر که پابرهنگان به گردن رادیو و تلویزیون حق دارند، ما نداریم. آنها این نظام را درست کردند و این نهضت را بوجود آوردند ما باید به مردم ارزش بدهیم و خودمان کنار بایستیم. ملاقات امروز من و شما دیگر جای طرح در رادیو تلویزیون را ندارد. این کارها مردم را خسته می کند. محمد هاشمی هم در خطاب به امام گفت شما در قلب مردم جا دارید و امام هم فرمود قلب مردم غیر از اینهاست.

امام از اینکه مدام تصویرش از تلویزیون پخش شود ناراحت می شد. آنچه که امام را امام کرد، مذهب بودن و اخلاق او بود که توانست چنین نظامی را پایه گذاری کند.

- چه توصیه‌ای برای حفظ وحدت داشتند؟

- انگیزه الهی و اخلاص و وحدت مردم از عوامل ایجاد نظام اسلامی بودند. یکی از کارهای بزرگ امام وحدت بین امت اسلامی بود. روزی که امام این انقلاب را پایه گذاری کرد.

می دانست که در این کشور مذاهب مختلف وجود دارند. امام برای حفظ وحدت به حجاج ایرانی دستور داد که در نماز دیگر مذاهب اسلامی شرکت کنند. و هدف از این کار ایجاد وحدت بود. متأسفانه چه از صدا و سیما و چه از جاهای دیگر ندهایی بلند می شود که وحدت اسلامی را از بین می برد و کار به جایی می رسد که شیعه سرافکننده شود. امام هفته وحدت را

برای حفظ وحدت مسلمین انتخاب کرد. اما متأسفانه امروز آن وحدتی که مد نظر امام بود در حال از بین رفتن است. این کار به انقلاب و اسلام و امام صدمه می زند.

- ظاهراً حضرت امام خطر گسترش تفکر انجمن حجّیه را هم همواره گوشزد می کردند؟

- بله. اکنون هم مسلماً افرادی با تفکر حجّیه در حال دخالت در امور هستند و در بعضی جاها نفوذ کرده اند. در یکی از سخنرانی هایم گفتم دو گروه همواره می خواهند از امام انتقام بگیرند: یکی آمریکا که امام ابهت آمریکا را شکست و یکی انجمن حجّیه که امام از همان روز اول می دانست اینها چه کسانی هستند. مسأله انجمن حجّیه عادی نبود. اگر امام خمینی با امام زمان ارتباط داشت قطعاً بیشتر از حجّیه ای ها بود. اما اظهار نمی کرد.

الان شایع می کنند که مثلاً فلانی خدمت امام زمان (عج) رسیده است و گاهی کارهای کوچک را به امام زمان نسبت می دهند. و ایشان را در نظر مردم کوچک می کنند. مسأله امام زمان (عج) مسئله مهمی است و نمی توان به راحتی این قبیل شبهات را مطرح کرد.

شاه به انجمن حجّیه آزادی داده بود تا عده ای به مسأله حضرت بقیه الله مشغول شوند و در مقابل نهضت امام بایستند. روزی یکی از بزرگان خدمت امام رسید و مطلبی راجع به امام زمان (عج) مطرح کرد و امام فقط او را نگاه کرد. من به او گفتم که این چه حرفی بود که زدی؟ مگر خود امام زمان فرمودند هر کس ادعای رؤیت کرد تکذیب کنید؟

متأسفانه این قبیل کارها الان در حال شایع شدن است. فلان خانم جلسه تشکیل می دهد می گوید امام زمان (عج) در آن جلسه حضور دارد، فلان آقا در فلان جلسه می گوید امام زمان (عج) اینجا نشسته است. نسبت دروغ دادن به امام زمان (عج) از گناه کبیره است. امام با این قبیل مسائل به شدت برخورد می کرد. امام نابغه عصر ما و تاریخ تشیع است. بعضی افراد از کارهایی که امام کرد ناراحتند و در نهایت هم انتقام خود را از امام می گیرند. و الان هم مشغول این کار هستند.

- چه کنیم تا اندیشه های مبنایی حضرت امام آسیب نبیند؟

- اگر بخواهیم اندیشه امام باقی بماند نباید فقط از امام نام ببریم، اما افکار او را فراموش کنیم. امام به مردم آزادی و بها می داد. باید مسأله آزادی و مبنایی آن را در تفکرات امام جستجو کنیم. بعد از انقلاب کدام مرجع تقلید جرأت می کرد کنار زنها بنشیند؟ امام این سد را شکست و این عظمت را به زنها داد و به آنها گفت از دامن زن مرد به معراج می رود. امام برای زنان احترام و آزادی قائل بود. اما نه آزادی به معنای بی بند و باری. آزادی مدنظر امام به معنی اینکه هر کسی حق داشته باشد در سرنوشت خود دخالت کند. اگر مبنای اندیشه های امام را دنبال کنیم و فقط به نام ایشان اکتفا نکنیم می توانیم از آسیب دیدن اندیشه های امام جلوگیری کنیم.

- نقش مردم در اداره کشور چگونه باید باشد؟

- امام همه چیز را مردم می دانست. ایشان وقتی در بهشت زهرا سخنرانی کردند، فرمودند که من به اتکای مردم دولت تشکیل می دهم. همه چیز امام مردم بود. مردم پشتیبان امام بودند و در جنگ تحمیلی نیز نقش مؤثری داشتند. بارها خود حضرت امام می فرمودند که این انقلاب را مردم به ثمر نشانند و خود مردم نیز آن را حفظ خواهند کرد.

- آیا امام مخالفتی با حاکمیت یک تفکر بر کشور هم داشتند؟

- وقتی مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز جدا شد، امام نمی خواست که یک تفکر بر کشور حاکم باشد. امام می گفت درگیری درست نیست. اما اختلاف افکار باید وجود داشته باشد. امام تفاوت افکار را باعث ترقی کشور می دانست و حاکمیت یک تفکر بر کشور را مضر به حال کشور می دانست. امام هیچ گاه موافق نبود که فقط یک تفکر واحد در حکومت جای داشته باشد و معتقد بود سلیقه های مختلف باید حضور داشته باشند. وقتی انقلاب پیروز شد تمام مردم در صحنه بودند. حتی آن زمان چپی ها هم روزنامه داشتند و آزادی کامل داشتند.



برداشت ششم



۲۷ بهمن ماه ۱۳۸۶ ساعت ۱۰/۴۰ صبح

خبر دردناک:

دقایقی پیش آیت‌الله توسلی دار فانی را وداع گفت.

به گزارش خبرنگار «تابناک»، آیت‌الله محمدرضا توسلی رئیس دفتر حضرت امام (ره) که صبح امروز در جلسه مجمع تشخیص مصلحت حضور یافته بود، ناگهان در حین جلسه دچار عارضه قلبی شد و پس از انتقال به بیمارستان دار فانی را وداع گفت.

مرحوم آیت‌الله توسلی سال‌ها ریاست

دفتر امام خمینی (ره) را بر عهده داشت و از نزدیکان بیت ایشان بود. وی از آنجا که مسئول بخش استفتائات و مسائل شرعی دفتر امام بود، سالیان سال هنگام ظهر در رادیو به بیان مسائل شرعی می‌پرداخت و از همین رو مردم ایران با صدای گرم او مأنوس بودند.

وی پس از رحلت امام نیز نماینده مردم تهران در مجلس خبرگان و نیز منصوب رهبر انقلاب

در مجمع تشخیص مصلحت نظام بود و در عرصه‌های مختلف به دفاع از مشی و مرام امام خمینی (ره) می‌پرداخت.

آیت‌الله توسلی به تازگی نیز به عنوان نامزد نمایندگی مجلس خبرگان از تهران ثبت‌نام کرده بود.

مرحوم آیت‌الله توسلی از چهره‌های امین و مورد اعتماد امام خمینی (ره) بود، به گونه‌ای که در ۱۷ بهمن ماه سال ۶۶ که امام (ره) برای حکمیت بین شورای نگهبان و مجلس، مجمع تشخیص مصلحت نظام را پایه‌گذاری کردند، وی را به عنوان یکی از هفت نفر در کنار آقایان خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی، اردبیلی، موسوی خوئینی‌ها و میرحسین موسوی به عنوان عضو این مجمع منصوب کردند.

امام (ره) در نامه‌ای که چند ماه پیش از ارتحال خود خطاب به آیت‌الله توسلی نوشته بودند، به او این گونه ابراز لطف کردند:

«با سلام و دعا. جنابعالی سالیان دراز مشغول درس و بحث بوده و از شروع انقلاب اسلامی تا پیروزی و پس از پیروزی انقلاب تاکنون، زحماتی کشیده و از افراد صالح و مورد علاقه اینجانب می‌باشید. شما از دوستان متدین، باصفا و پاک اینجانب می‌باشید. جنابعالی از طرف اینجانب وکیل بوده تا تمامی امور شرعی را بدان صورت که دستور شرع است، انجام دهید. از خداوند می‌خواهم تا به شما توفیق دهد تا هرچه بیشتر و بهتر بتوانید به اسلام و انقلاب خدمت کنید. والسلام علیکم ورحمة‌الله».



پیام مقام معظم رهبری به مناسبت درگذشت آیت‌الله محمدرضا توسلی

بسم الله الرحمن الرحيم

با تأثر و تأسف از ارتحال جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدرضا توسلی (ره) اطلاع یافتیم، این عالم محترم از شاگردان امام راحل رضوان الله علیه و از نخستین پیوستگان به نهضت عظیم آن بزرگوار بودند و پس از انقلاب تا آخرین لحظات حیات مبارک آن قائد عظیم الشان در خدمت ایشان حضور داشتند.

امید است در نشأه آخرت هم با آن بزرگوار محشور باشند انشاءالله.

اینجانب مصیب وفات آن عالم مکرم را به همسر و فرزندان معزز و دیگر بازماندگان و نیز به دوستان و ارادتمندان ایشان تسلیت می‌گویم و رحمت و مغفرت الهی را برای آن مرحوم و صبر و اجر برای خانواده مصاب مسئلت می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای

۲۷ بهمن ماه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیام تسلیت حجت الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی

بسمه تعالی

انا لله و انا الیه راجعون

درگذشت عالم ربانی، یار دیرین و امین امام، حضرت آیت الله توسلی رضوان الله تعالی علیه داغی است که دل های همه دوستان امام را می گدازد.

این عالم مجاهد، عمری را در پارسایی و شرافت و وفای صادقانه به مقتدای خویش سپری کرد و در لحظه لحظه زندگی خود، پایبند ارادت خالصانه به امام و راه امام بود. هرگز نمی توان حضور موثر ایشان را در دفتر امام، چه در قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و چه در زمان حیات و چه پس از رحلت امام عظیم الشان از یاد برد و هرگز نمی توان فراموش کرد روزهایی را که وی در مقابل پیشنهاد مسئولیت های مختلف با وفاداری مثال زدنی، اتاق کوچک و محقر دفتر امام را بر هر امر دیگری ترجیح داد و بحق زندگی و مرگ او در دفاع از امام و راه امام و در کمال غیرتمندی و مسئولیت شناسی سپری شد.

کیست که نداند آیت الله توسلی عمری از هر استقلال و علقه ای چشم پوشید تا متعلق به امام باقی بماند.

اینجانب با عرض تسلیت این ضایعه مؤلمه به ساحت بقیه الله الاعظم (عج)، رهبری معظم انقلاب، خانواده محترم و صبور ایشان به خصوص همسر مکرمه و آقازادگان گرامی و همه علاقه مندان حضرت امام (س)، از خداوند متعال برای ایشان علو درجات و حشر با اولیائش مسألت دارم.

سید حسن خمینی



پیام تسلیت رئیس جمهور

خبرگزاری آریا- رئیس جمهور در پیامی ارتحال عالم نام آشنا حضرت حجت الاسلام و المسلمین توسلی را تسلیت گفت.

به گزارش خبرگزاری آریا، متن پیام دکتر محمود احمدی نژاد به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

درگذشت عالم نام آشنا حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای توسلی موجب تأثر و تألم گردید.

ایشان سالها مفتخر به خدمتگزاری در دفتر و در محضر حضرت امام خمینی (ره) و همواره در خدمت اسلام و انقلاب بودند.

ملت عزیز ایران هنوز کلام دلنواز ایشان در بیان احادیث اهل بیت علیهم صلوات الله و احکام فقهی حضرت امام (رض) را در ذهن و اندیشه خود دارند.

درگذشت این عالم بزرگوار را به ملت ایران و بیت شریف و فرزندان ایشان تسلیت می گویم و از خداوند متعال صبر و اجرا برای بازماندگان و مغفرت و رضوان الهی برای آن مرحوم مغفور مسئلت دارم.

محمود احمدی نژاد

پیام تسلیت حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی

بسم الله الرحمن الرحيم

عالم پارسا، فقیه عالمقدار، مجاهد راه حق و بنده خوب خدا «حضرت آیت الله توسلی» رضوان الله تعالی علیه با روانی به روشنی آفتاب، سبکبال به دیدار پروردگار شتافت و دل همه آنان که ایمان، راستی و پاکی را پاس می‌دارند تاب دار کرد. یار باوفای حضرت امام خمینی (ره) و مدافع حق و حرمت انسان و دلداده پیامبر اکرم و خاندان پاک او (ع)، اینک در میان ما نیست و ماییم و حسرت بهره‌گیری از کوثر دانایی و صداقت انسان بزرگواری که سرافرازی را در تواضع و اخلاق نیکو جست و جو می‌کرد. امروز نه تنها همه دوستداران فراوان آن بزرگ، که فضیلت و اخلاق، داغدار این مصیبت است راه امام که راه عزت اسلام و سربلندی مسلمانان و سرافرازی ایران بود در فقدان یکی از رهروان با صلابت و صادق خود عزادار است.

این ماتم برای همه ما به خصوص خاندان مکرم آن بزرگ که هنوز آتش سه دفع سوزان را بر سینه دارند و بر فرزندان جلیل القدرش بالاختصاص به همسر فداکار و وفاداری که در همه این مراحل پا به پای این عزیز، راه‌های دشوار را پیموده است و پشتیبان و پشتوانه او در همه مراحل بوده است سنگین تر است. از خداوند بخشاینده و مهربان می‌خواهم که روان پاک او را با اولیای مکرمش محشور و به بازماندگان معزز صبر و اجر و سلامت عنایت فرماید.

سید محمد خاتمی ۸۶/۱۱/۲۷

پیام تسلیت رئیس قوه قضائیه

تهران - خبرگزاری ایسکانیوز: آیت‌الله هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضائیه در پیامی درگذشت آیت‌الله توسلی را تسلیت گفت.

به گزارش روز شنبه گروه سیاسی باشگاه خبرنگاران دانشجویی ایران «ایسکانیوز»، در این پیام آمده است: ارتحال ملکوتی حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا توسلی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام که عمر پربرکتش را در خدمت مخلصانه به امام، انقلاب اسلامی و حوزه‌های علمیه سپری کرد به امام زمان (عج)، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حوزه‌های علوم دینی، بیت و دفتر مکرم حضرت امام قدس سره و بازماندگان آن مرحوم تسلیت عرض می‌کنم. عالم وارسته حضرت آیت‌الله توسلی سالیانی در بیت و دفتر حضرت امام خمینی (قدس سره) در نجف و ایران یار و یاور و همراه امام راحل (قدس سره) بود. امیدوارم روح آن فقید در جوار محبوبش حضرت امام خمینی قدس سره و در ظل عنایات ائمه معصومین (ع) آرام گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
* * *

پیام تسلیت مجمع روحانیون مبارز

به مناسبت ارتحال آیت‌الله توسلی عضو برجسته مجمع روحانیون مبارز

«انا لله و انا الیه راجعون»

رحلت جانسوز و ناگهانی عالم مجاهد و فقیه وارسته حضرت آیت‌الله محمد رضا توسلی همه یاران و دوستان امام و انقلاب را در غم و اندوه فراوان فرو برد، چهره‌ای که با نام و یاد امام گره خورده بود و همواره ذهن‌ها را با خاطرات شیرین و روح‌افزای حیات امام پیوند می‌داد، ایمان و خلوص توأم با پایداری و پایمردی او نسبت به امام و آرمانهای والای حضرتش همه زندگی او بود به گونه‌ای که بی‌تابانه جان را در راه دفاع از اندیشه‌های گرانسنگ پیر مراد خود حضرت امام نهاد و در جانب‌داری و حرمت‌گذاری نسبت به خاندان امام(ره) قلب لبریز از عشق و ایمانش از حرکت ایستاد.

پرواز ملکوتی این یاور بیدار امام و این روحانی اصلاح طلب بر همه عاشقان امام و آحاد ملت بزرگ ایران به ویژه حوزه‌های علمیه تسلیت باد.

مجمع روحانیون مبارز

۸۶/۱۱/۲۷

پیام تسلیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گذشت یار دیرین بنیانگذار جمهوری اسلامی، آیت‌الله حاج شیخ محمد رضا توسلی (ره) را تسلیت گفت.

در اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمده است: آیت‌الله حاج شیخ محمد رضا توسلی (ره) جزء نخستین افرادی بود که به جریان پرخروش انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری معمار کبیر انقلاب اسلامی پیوست و خدمات زیادی در راه پیروزی انقلاب اسلامی انجام داد و عمر خود را وقف خدمت به نظام جمهوری اسلامی ایران کرد. آیت‌الله محمدرضا توسلی به عنوان عالمی خدوم عمری را در دفتر امام خمینی (ره) به نظام مقدس جمهوری اسلامی خدمت کرد و تا آخرین لحظه حیات پربرکت امام راحل (ره) یار و همراه ایشان بود.

سپاه پاسداران در پایان این اطلاعیه با تسلیت رحلت این عالم ربانی به خدمت مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، خانواده ایشان و دوستان و ارادتمندان یار دیرین امام خمینی (ره) برای آن مرحوم رحمت و مغفرت الهی را مسألت کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

* * *

پرتال جامع علوم انسانی

اطلاعیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت

ارتحال آیت‌الله توسلی

رحلت عالم خدوم و یار همراه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد رضا توسلی (ره) مایه تأثر و تأسف گردید.

ایشان از جمله سابقون انقلاب پر برکت اسلامی بودند که همین همراهی پرسابقه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در دفتر امام راحل عظیم‌الشان رحمت‌الله علیه ادامه یافت.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم فقدان تأثر برانگیز ایشان را به محضر مقام معظم رهبری «مدظله العالی» و بیت شریف امام خمینی «قدس سره» و بازماندگان آن مرحوم تسلیت عرض نموده و از ذات باری تعالی علو درجات و حشر و نشر با اولیای الهی خاصه امام راحل (ره) را برایشان مسالت می‌نماید.

* * *

آیت‌الله توسلی چگونه در گذشت

به گزارش خبرنگار مهر، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله محمدرضا توسلی در حسینیه جماران سخن می‌گفت، اظهار داشت: برای من آسان نیست که در چنین شرایطی صحبت کنم. آیت‌الله توسلی مرد بزرگی بود که ۵۰ سال است که با امام در همه شرایط همکاری کرد.

وی افزود: بنده آیت‌الله توسلی را شخصیتی معتدل، عالم، مجاهد، هوشیار و آگاه می‌دانم

که خوشبختانه خداوند نصیب ایشان کرد تا در کنار امام باشند.
رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح کرد: حسینیه جماران واقعیت وجودی آیت‌الله
توسلی را خوب به یاد دارد. تا این حسینیه وجود دارد فکر نمی‌کنم آیت‌الله توسلی فراموش شود.
ایشان سالها فتاوی‌ای امام را عالمانه با بیان خوب منتقل می‌کردند.
وی افزود: برای من لحظه آخر یک لحظه تاریخی است و شما نمی‌دانید در این لحظه بر من
چه گذشت.

هاشمی رفسنجانی ادامه داد: ما در مجمع تشخیص مصلحت نظام زمانی که خواستیم کار
خود را آغاز کنیم، آیت‌الله توسلی اجازه خواست چند کلمه‌ای صحبت کند. ایشان فردی آرام، اما
با احساس است و نکات مهمی را بیان داشت و همان چیزهایی را بر زبان جاری ساخت که در
وجودش بود.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: آیت‌الله توسلی مطالبی بیان کرد که قابل پخش
است و این سخنان نیز ضبط و پیاده شده است و در اختیار عموم نیز قرار می‌گیرد.
هاشمی رفسنجانی افزود: آیت‌الله توسلی زمانی که به نقطه حساسی از سخنان خود رسید،
قلبش تحمل نکرد و منظره سخت برای من آن لحظه بود که در حالی که چشم در چشم ایشان
دوخته بودم، یک دفعه مشاهده کردم که سر ایشان کج شد و از صندلی به زمین افتادند، سپس
دکتر ولایتی بالای سر ایشان حاضر شد و پس از تنفس مصنوعی، آیت‌الله توسلی به بیمارستان
منتقل و در آن جا درگذشت.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پایان درگذشت آیت‌الله توسلی را به خانواده،
دوستان و اعضای مجمع تشخیص، امت اسلامی و روحانیت بزرگوار تسلیت گفت.

آخرین سخنان یار دیرین امام خمینی چه بود؟

درگذشت آیت‌الله توسلی آن هم هنگام ایراد یک سخنرانی در اعتراض به خط تخریب از سوی جریان‌های بی‌ریشه و فرصت‌طلب تأثر فعالان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی را برانگیخته است. گو اینکه آیت‌الله توسلی از چهره‌های آرام و متین مذهبی کشور بود که به ندرت دچار عصبانیت می‌شد اما ظاهراً ظهور جریان‌های بی‌ریشه و فرصت‌طلبی که عرصه را برای حذف فعالان با سابقه کشور هموار می‌بینند که تازه‌ترین نمود آن در حمله به اعضای خانواده امام(ره) دیده شد، نگرانی و تأثرات شدید بزرگان کشور از خاتمی، هاشمی و کروبی گرفته تا روحانیونی مانند آیت‌الله صانعی و... را برانگیخت. اما ظاهراً تقدیر آن بود که قربانی این موج تخریب، آیت‌الله توسلی رئیس دفتر امام(ره) باشد. او روز شنبه یک سخنرانی ناتمام در مجمع تشخیص مصلحت نظام در اعتراض به خط تخریب از سوی جریان‌های بی‌ریشه ایراد کرد که متن کامل آن به این شرح است:

امام(ره) این ملت را شناخت. با عرض تسلیت به پیشگاه مقام معظم رهبری و ملت عزیز لبنان و حزب الله در رابطه با شهادت عماد مغنیه و با تاسف از اینکه در ایام دهه فجر که (از روز ورود حضرت امام(ره) تا ۲۲ بهمن روز خوشحالی ملت ایران است و همه به یاد امام(ره) بودند) جای تاسف است که در چنین ایامی به بیت رفیع حضرت امام(ره) آن طور اهانت‌ها و تهمت‌ها و دروغ پردازی‌هایی شد که حتی رادیوهای بیگانه هم کلمات این سایت را نقل کرده‌اند، همانطور که حضرت‌تعالی (هاشمی) فرمودید ما نمی‌دانیم که چه کسی هست اما متوجه می‌شویم یک دستی در کار است که بیت امام(ره) و شخصیت‌های مبارز اسلام را که به انقلاب دلبستگی داشتند، آنها را از

صحنه خارج کنند. آقای حاج حسن آقا خمینی دو تا مطلب ذکر کرد که حالا از منشاء آن هم من یک خوابی که ایشان دیده بودند را بگویم. حدود دو ماه قبل، بعضی از بزرگان اطلاع دارند، ایشان گفتند که من خواب دیدم امام(ره) به من فرمودند: حسن من را دارند از این خانه بیرون می‌کنند. گفتم؛ آقا چه کسی شما را از این خانه بیرون می‌کند؟ باز خواب دیدم دوباره که امام(ره) فرمودند: حسن من را دارند از این خانه بیرون می‌کنند. تا سه مرتبه من این خواب را دیدم. البته من نمی‌گویم که خواب حجت است اما گاهی خواب‌هایی است که انسان از آنها چیزهایی را متوجه می‌شود. من در کلمات حضرت امام(ره) مطالعه می‌کردم و دیدم که این پیش‌بینی را خود امام(ره) کرده است در تاریخ ۲۳ آبان ۶۱:

«اینجانب هیچ گاه میل نداشتم و ندارم که درباره نزدیکان خود سخنی بگویم یا دفاع کنم. لیکن علاوه بر آنکه در پیشگاه مقدس حق (جل و علی) مقصر و مجرم هستم و از درگاه منعال امید عفو و بخشش دارم و تمام سرمایه ام اعتراف به تقصیر و عذر از آن است و نزد مسلمانان و ملت عزیز نیز اعتراف به قصور، تقصیر و از آنان امید عفو و طلب آمرزش دارم؛ اما در پیش گروه‌هایی و اشخاصی گناهای نابخشودنی دارم (از نظر این گروه‌ها) و احتمال قوی می‌دهم که پس از من برای انتقام جویی از من به بعضی از نزدیکان و دوستانم تهمت‌ها که من آنها را ناروا می‌دانم، بزنند و به آتشی که باید مرا بسوزانند آنان را بسوزانند و احياناً به صورت دفاع از من انتقام مرا از آنها بگیرند.»

این نامه‌ای است مفصل از امام (ره).

هاشمی: این نامه کجا است؟ آیا این نامه چاپ شده؟

توسلی: بله، عین این نامه هست. البته این نامه مفصل است و من قسمتی از آن را خواندم.

هاشمی: این در صحیفه نور و اینها هم است؟

توسلی: در صحیفه امام(ره) هست، این نامه در وعده دیدار امام (ره) هست.

صانعی: در دو سه جا هست.

توسلی: این نامه در دو سه جا هست. شما ببینید آقای حاج حسن آقا یک مسوولیت دارد.

نگهداری...، موسسه تنظیم و نشر امام (ره) مربوط به ایشان است و اگر او نخواهد امام (ره) را حفظ

کند و کلمات امام (ره) را نگهداری کند خوب چه کسی باید بکند؟
حاج حسن آقا یک کسی است که هم تولیت آستان حرم امام را دارد و هم مسؤول موسسه
تنظیم و نشر آثار امام (ره) است.
خوب، وقتی که نگاه می کند و می بیند که کلمات امام (ره) دارد طور دیگری معنا می شود.
این وصیتنامه امام (ره) است. در بند ل وصیتنامه:

«وصیت برادرانه من در این آخرین قدم های آخر عمر به قوای مسلح به طور عموم آن است
که ای عزیزان که به اسلام عشق می ورزید بیدار باشید و هوشیار.
وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که از مقررات نظام، عدم دخول در احزاب و گروه ها
و جبهه هاست. به آن عمل نمایید و قوای مسلح چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیره
اینها در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازی های سیاسی دور نگه دارند، در این
صورت می توانند قدرت نظامی خود را حفظ کنند.»

امام (ره) در آنجا می فرماید؛ به عنوان دفاع از من، ارزش های انقلاب، امام (ره) فقط به
روضه خوانی و سینه زنی نیست و اینها نیست... ارزش های انقلاب امام (ره) به آن چیزهایی است
که امام (ره) از آنها خون دل می خورد، شما ببینید منشور روحانیت امام در سال ۶۷ است. می
فرماید که در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر اینها بود مقابله را
آسان می نمود، بلکه علاوه بر آن گلوله حيله مقدس نمایی و تحجر بود. گلوله زخم زبان و نفاق و
دورویی که هزار بار بیشتر از باروت و سرب جگر و جان را می سوخت و می درید. عده یی
مقدس نمای واپس گرا همه چیز را حرام می دانستند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر
خورده است، هرگز از فشارها و سختی های دیگران نخورده است. امام (ره) آمد ارزش های
انقلاب را بگوید که تهمت نزنید، دروغ نگویند، ریا نکنید.

من یک روز داشتم می رفتم در اتاق دیدم که مرحوم حاج احمد آقا با یکی از دوستان دارند
صحبت می کنند و به ایشان می گویند که امروز خدمت امام (ره) نروید (ایشان هر روز خدمت
امام (ره) می رفتند) ایشان گفتند که برای چه؟ حاج احمد آقا فرمودند؛ آیا شما در جایی صحبت
کردید؟ ایشان گفت؛ بله، فرمودند که امام (ره) صحبت های شما را گوش کرده. شما در

صحبت‌هایتان ظاهراً یک چیزهایی گفتید مثلاً گفتید امام (ره) خدمت امام زمان می‌رسد. فریاد امام (ره) بلند شد که این نسبت‌ها چه هست که به من می‌دهند. من هم یک فرد عادی هستم. چرا این حرف‌ها را به من نسبت می‌دهند؟ این حرف‌ها چه است که نسبت به من می‌زنند؟ شما خودتان در خاطرتان است.

هاشمی: این مسأله چه بود آیا مسأله سری است؟

توسلی: حالا نام ایشان را من چرا ببرم اگر خواستید من به طور خصوصی به شما می‌گویم.

هاشمی: حالا در مجمع که در حضور آقایان ایرادی ندارد؟

توسلی: عرض شود که آن چیزی که شما خودتان می‌دانید. آن سه نفری که آمدند و می‌خواستند

بگویند که ما خدمت امام زمان (عج) می‌رسیم. شما واسطه بودید، دو نفر مرد بودند و یک خانم.

هاشمی: نه یک زن و شوهر بودند.

توسلی: به هر حال یک کتاب خطی هم آوردند و بردند و خدمت امام (ره) رسیدند و

گفتند که ما خدمت امام زمان (عج) می‌رسیم، امام فرمود که من سه تا سؤال دارم؛ اول اینها را از آقا سؤال کنید و برای من بیاورید من با شما صحبت می‌کنم.

۱- حادثه ربط حادث به قدیم برای من لاینحل مانده است.

۲- آن چیزی که من به آن خیلی علاقه دارم چه هست؟

۳- و یک چیزی هم گم کرده‌ام که آن چه است؟

مقصود امام (ره) از آن گمشده است...

هاشمی: ایشان به یک عکسی علاقه مند بودند.

توسلی: بنا شد که بروند و خبر بیاورند، دو روز آمدند و سر سه راه به مرحوم حاج احمد آقا

فرمودند که «برو ببین که چه می‌گویند.» من متوجه نشدم که چه چیزی گفتند به مرحوم حاج

احمد آقا که وقتی برگشت، امام (ره) فرمود و به ایشان گفت: شاید دست از این حرف‌هایتان

بردارید و دنبال این شیادی‌ها نروید. برنامه امام (ره) این بود. نمی‌خواستند مردم را با این حرف‌ها

سرگرم کنند و حرف امام (ره) این بود...
آن گونه که شاهدان می گویند در این لحظه آیت الله توسلی از شدت تأثر روی صندلی
می افتد و متأسفانه به اثر ایست قلبی جان به جان آفرین تسلیم می کند.

وداع با یار امام

تشییع آیت الله توسلی روز یکشنبه مورخه ۸۶/۱۱/۲۸ با شکوه تمام و حضور انبوه مردم متدین
و عزادار و بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، و فرهنگی و انقلابی کشور از حسینیه جماران آغاز شد.
ابتدا پیکر این عالم ربانی را در فضایی آکنده از حزن و اندوه به داخل حسینیه بردند. مکانی که
بالکن کوچک آن یادآور حضور مداوم ایشان در کنار حضرت امام بود. پس از قرائت قرآن
توسط آقای رستمی قاری برجسته کشور، آیت الله رفسنجانی رئیس مجلس خبرگان رهبری در
حالی که اشک می ریخت واقعه جانسوز آخرین لحظه عمر ایشان را تشریح کرد.
سپس حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی در جملاتی کوتاه از نقش والا و ممتاز
ایشان در نهضت دینی و مردمی ایران سخن گفت. شخصیت‌های مهم کشوری و مسئولان نظام از
همه جناحها و اقشار آمده بودند و پشت سر یار دیرین امام مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی
شیخ یوسف صانعی بر پیکر مطهرش نماز گزار شدند. و پس از انتقال به حرم مطهر امام خمینی در
جوار پیر و مرادش به خاک سپردند. رحمة الله علیه رحمة واسعة.